

## حکومتی که هرگز روی ثبات را به خود نخواهد دید

یوسف لنگرودی

(به مناسبت اعدام پنج تن از فرزندان مردم)



بقیه در صفحه 5

## اعتصاب قهرمانانه مردم کردستان الهام بخش مردم بلوچستان هم هست!

مصاحبه می مگران با آخرداد سپاهی از فعالین سیاسی بلوچ در ارتباط با اعدام های اخیر و اعتصاب عمومی در کردستان

بقیه در صفحه 3

## در محکومیت اعدام های نوزده اردیبهشت ۱۳۸۹

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران در رابطه با اعدام پنج نفر از هم میهنان عزیز از جمله شهید فرزند کمانگر معلم کردستانی بقیه در صفحه 10

## در سوگ پنج نفر از فرزندان جانباخته مردم:

سیمین بهبهانی - هوشنگ ابتهاج

بقیه در صفحه 8

## قطع کامل ارتباط زندانیان بند 1 زندان گوهردشت با خانواده هایشان

بقیه در صفحه 3

## رضا خندان عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران

همچنان در بازداشت به سر می برد

کانون نویسندگان ایران در تبعید-انجمن قلم ایران در تبعیدبقیه در صفحه 10

## توافق هسته ای رژیم و پی آمد های آن

یوسف لنگرودی

بقیه در صفحه 5

## موضوع مورد بحث اجلاس ستاد کنترل بحران فاش شد

بقیه در صفحه 11

## پیشنویس چهارمین قطعنامه علیه ایران به شورای امنیت ارائه شد

بقیه در صفحه 16

## موج عظیم اعتصاب عمومی در کردستان

وبلاگ اتحاد داوطلبانه

بقیه در صفحه 2

## گفتارهای سیاسی رادیو راه کارگر!

\* - اعتصاب سراسری و اهمیت گسترش همسویی و

همبستگی در برابر استبداد

\* - در تدارک ضربه ای تازه به دستگاه ولایی در

نخستین سالروز آغاز خیزش نوین ضد دیکتاتوری

\* - جنبش ضد دیکتاتوری و سه الزام مهم پیشروی آن در موقعیت کنونی

\* - توافق تهران و پیش نویس قطعنامه تحریم های جدید بقیه در صفحه 6

## تفاوت گفتار ها و کردار های رهبران جمهوری اسلامی ایران!

انقلابی دیگر باید کرد!

احمد نوین

بقیه در صفحه 4

## کجای زمان ایستاده بودیم

که طوفان بلا برخاست

عیدی نعمتی

بقیه در صفحه 9

## وضع بحرانی بندهای زنان زندان اوین

بقیه در صفحه 9

## پیکر پنج زندانی اعدام شده تحویل داده نمی شود و

محل دفن ایشان ده روز دیگر اعلام می شود.

بقیه در صفحه 9

## شرح چگونگی اجرای حکم اعدام پنج زندانی سیاسی

بقیه در صفحه 11

## اجماع بین المللی علیه ایران؟

نوشته آن گرش - ترجمه بهروز عارفی بقیه در صفحه 11

## رافت اسلامی یا تجاوز به کرامت انسانی

در حاشیه سفر 3 مادر امریکایی به تهران ج.ا.ا

صفحه 12

## "برای شیرین علم هولی"

صفحه 12

بهنام

موکل من بی گناه اعدام شده است. آقای بهرامیان صفحه 14

# موج عظیم اعتصاب عمومی در کردستان

## ویلاگ اتحاد داوطلبانه

طبق تازه ترین خبرهای رسیده، اکثریت شهرهای کردستان تا لحظه تنظیم این خبر در اعتصاب عمومی بسر میبرند. شهرهای سنندج، سقز، مریوان، کامیاران، دیواندره، بوکان و مهاباد، اشنویه و پیرانشهر تاکنون بازار و مراکز کاری خود را تعطیل نموده و به موج عظیم اعتصاب عمومی در کردستان پیوسته اند.

مدارس باز هستند اما دانش آموزان از رفتن به مدارس خود داری کرده اند. ادارات به حالت نیمه تعطیل در آمده اند.

در سنندج میدان آزادی کلا تعطیل است. خیابان فردوسی و بازارچه ها و پاساژها همه تعطیل است. خیابان ششم بهمن و شریف اباد تعطیل است. خیابان انقلاب و خیابان شاهپور (خمینی) تعطیل است خیابان وکیل خیابان آبیتر تعطیل است، شهرک صنعتی و فلز کاران یک نفر هم مغازه باز نکرده است. پاساژهای عمومی و تجاری همه تعطیل اند. بازار و گذر قدیمی اصف و براتیان و همه مغازه های تابعه تعطیل هستند. تنها ادارات دولتی باز کرده اند نیروهای امنیتی و انتظامی با ماشینهایشان آمد و رفت میکنند و کنار بانک ها و ادارات دولتی گروه گروه ایستاده اند. تا این مرحله به شهرم سنندج درود می فرستم که اعتصاب کرده اند.

کامیاران: شهر تعطیل است بغیر از ادارات دولتی که حراست ها و نیروهای انتظامی امن سرکار همه جا تعطل است. نیروهای امنیتی در سطح شهر گشت می زنند. مردم به طرف خانه فرزند کمانگر راهی هستند تجمع در مقابل خانه فرزند کمانگر لحظه به لحظه روبه افزایش است. مریوان: شهر مریوان امروز تعطیل است بغیر از مدارس و ادارات دولتی که با کارمندان و نیروهای حراستی اداره می شوند. همه مغازه ها تعطیل است.

طبق گزارش های ارسالی از بانه، بوکان، سقز و دیواندره، مهاباد اکثر مغازه ها و بازاریان تعطیل کرده اند و فضای شهرها کاملاً اعتصاب عمومی است.

بر اساس گزارشها در برخی شهرها نیروهای اماکن انتظامی به صاحبان پاساژها و مغازه ها اجبار کرده اند که برخی مغازه ها را باز کنند که با مقاومت و درگیری مردم مواجه شده اند. در کامیاران و سنندج نیروهای امنیتی در نقاط مهم شهر مستقر شده اند. در اکثر شهرهای کردستان نیروهای دولتی حالت حکومت نظامی به خود گرفته اند و میخواهند تشنج آفرینی کنند.

گازدویژه و اطلاعات با آوردن نیروهای بسیار زیادی از دیگر جاهای کشور در سراسر شهرهای کردستان مستقر شده و از ترس هرگونه تنش فضای امنیتی مناطق مذکور را تشدید نموده اند. حکومت نظامی اعلام نشده ای در کردستان حاکم شده است. خبرهای دیگر متعاقباً به اطلاع خوانندگان گرامی خواهد رسید. روزها لات

در روز اعتصاب سراسری کردستان، مهاباد کاملاً به حالت تعطیل درآمد کردستان میدیا: امروز پنجشنبه 23 اردیبهشت ماه، مردم شهر مهاباد در اعتراض به اعدام 5 فعال سیاسی و در پاسخ به فراخوان احزاب و سازمانهای کردستان، بصورت یکپارچه بازارها را تعطیل نمودند.

به گزارش خبرگزاری کردستان، شماری از ادارات دولتی تعطیل نشده اند. اما مردم به آنان هشدار داده اند که هر چه زودتر دست از کار بکشند. گفتنی است تا لحظه مخابره این خبر، نیروهای رژیم در داخل شهر مهاباد در حال جولان دادن بوده و فضای کاملاً امنیتی بر شهر حاکم است.

درگیری شدید مردم با نیروی انتظامی در نوسود

گزارش دریافتی: بدنبال ضرب و شتم یک پیرمرد در محله شوشمی شهرستان نوسود درگیری گسترده ای بین مردم و نیروی انتظامی حادث شده که همچنان پس از 2 ساعت ادامه دارد. چون ترخیص گمرک مرزی فقط در روزهای 5شنبه صورت میگیرد کسبه بازار مرزی تنها برای 10 دقیقه اجناس را تحویل گرفته و کرکره ها را در حمایت از اعتصاب پایین کشیدند که با مقاومت و فحاشی پلیس روبه رو شدند اما در پی بی اعتنائی کسبه به هشدار پلیس و پس از ضرب و شتم یک پیرمرد ناتوان توسط پلیس درگیری آغاز و شهر به خشونت کشیده شد. هم اکنون محله شوشمی در دود و صدای تیر هوایی است و سایر نقاط شهر هم صحنه جنگ و گریز مردم و ماموران میباشد. در صورت قطع نشدن اینترنت اخبار تکمیلی را ارسال خواهیم کرد

اوج گیری اعتراضات مردمی و تیر اندازی در دهگلان

بنا به گزارشی که از شهر دهگلان به ستاد خبری کمپین رسیده، تعداد زیادی از جوانان و مردم شهر دهگلان به خیابانهای این شهر ریختند و در

حراستی غرور افرین اعدام جوانان کرد را محکوم نموده اند که نیروهای سرکوبگر رژیم با تیر اندازی و ایجاد فضای رعب و وحشت با تظاهرات کنندگان درگیر شده اند.

کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی

اعتصاب گسترش می یابد

به گزارشهای رسیده از بیشتر شهر کردستان که به کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی رسیده، شهرهای مریوان، سنندج، سقز، بوکان، مهاباد، سنو و دیواندره و طبق خبرهای موثق به طور کامل در اعتصاب بسر میبرند. مردم مبارزه و آزادیخواه این شهرها در پاسخ به فراخوان احزاب و سازمانهای سیاسی و مدنی و هم دردی با خانواده های جان باختگان 19 اردیبهشت مبنی بر اعتصاب عمومی روز جاری از رفتن به محل های کسب خودداری نموده و بسیاری از مغازه های این شهرها می باشند و در شهر کامیاران ماموران رژیم اسلامی با هدف دامن زدن به فضای رعب و وحشت از مردمی که در برابر منزل فرزند کمانگر تجمع کرده اند فیلمبرداری

کنند. این خبر می افزاید حکومت نظامی غیر رسمی در شهر حاکم است به رغم تمام اوضاع امنیتی و ملیتاریزه شدن کردستان، خبرها از سنندج حاکی از تعطیلی کامل بازار است و دان شجویان و محصلین نیز سر کلاسهای خود حاضر نشده اند. خیابانهای سنندج مملو از مردم و نیروهای گارد است و شهر عملاً تعطیل است.

سکوت و تعطیلی مطلق در دیواندره

ساعت 10:30 صبح 23 اردیبهشت بازار شهر دیواندره کاملاً تعطیله مثل یک شهر متروکه

تنها نیروهای پیاده امنیتی در بلوار گشت میزنند تا مانع فیلمبرداری شوند امروز شهر بوکان تماماً در اعتصاب به سر میبرد، در اکثریت مناطق بوکان همراه با سراسر کردستان از ماکو تا ایلام تمامی مغازه ها خیابان های اصلی شهر و بازارهای سطح شهر بوکان تعطیل بوده و مردم شهر خونه هاشون رو امروز ترک نکردند، به امید اینکه با خانواده شهیدان راه آزادی همدردی کرده باشیم و نشون بنیم ملت کورد به شهیدان راه آزادی افتخار میکنه و راهشون رو ادامه میدیم، به یاد فرزند میگیم زنده باد آزادی و به قول شیرین به هیوای سه رکه وتن (به امید بیروزی)

قطع خطوط تلفنی شهر بوکان و احتمال درگیری از خوانندگان: اقدام هماهنگ مردم بوکان حکومت را دچار وحشت کرده .. حکومت اسلامی از ترس پخش اخبار اعتصاب همه ی خطوط تلفنی شهر بوکان را قطع کرده است. تمام میادین و نقاط حساس شهر از جمله فلکه ی فرمانداری، بلوار کردستان، چهارراه شهربانی، چهارراه مولوی، فلکه ی اسکندری، چهارراه استاد حقیقی، خیابان مولوی شرقی و غربی، به کنترل نیروهای امنیت در آمده است. مدارس تمام مقطع تحصیلی تعطیل است. دانشجویان دانشگاه آزاد و پیام نور به کلاسهای درس نرفته اند و عملاً حکومت نظامی حکم فرماست. شهر ملتهب است و احتمال درگیری وجود دارد

درگیری در دانشگاه ارومیه

درگیری در دانشگاه ارومیه بر اساس اخبار رسیده در دانشگاه ارومیه درگیری سختی میان دانشجویان معترض و مبارز کورد با ماموران صورت گرفته است و دانشجویان از رفتن به کلاسها خودداری کرده اند و نیروهای انتظامی به خوابگاه دانشجویان یورش برده است. دانشجویان کورد ضمن انزجار از ترور و اعدام پشتیبانی خود را برای مردم کردستان تکرار کرده اند. شایان ذکر است این درگیری هم اکنون ادامه دارد.

ایران پرس نیوز 13 2010 05

## پیکر اعدام شدگان در بخش کافران بهشت زهرا

### به خاک سپرده شده اند

بر اساس خبری که به سایت بیان رسیده، روز شنبه مصادف با 15 ماه مه ی 2010 وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران جسد پنج اعدامی روز 19 اردیبهشت را در بخش کافران بهشت زهرا تهران بطور مخفیانه به خاک سپرده اند. طبق رسوم و شرع می بایست در حین به خاک سپردن شیرین علم هولی- چون زن میباشد- جسد ایشان بدست زنی شستشو دادمشیر و سپس به خاک سپرده میشد ولی حتی این قسمت از آیین به خاکسپاری را نیز انجام نداده اند و این کار توسط یک مرد بسیجی انجام گرفته است.

قابل ذکر است که حاکمیت در حال تاسیس یک تیم خبررسانی است برای حداقل دو ماه دیگر جهت تحریف اذهان عمومی و پوشش دادن خبرهای ساختگی و کمرنگ کردن خبرهای مربوط به حوادث و پیامدهای این جنایت و حوادث سالروز انتخابات.

وبلاگ بیان 29 اردیبهشت 1389

## اعتصاب قهرمانانه مردم کردستان الهام بخش مردم بلوچستان هم هست!

### مصاحبه می مکران با آخرداد سپاهی از فعالین سیاسی بلوچ

#### در ارتباط با اعدام های اخیر و اعتصاب عمومی در کردستان

می مکران: همانطور که در جریان هستی پنج نفر از فرزندان مردم، روز یکشنبه نوزده اردیبهشت، به طور ناگهانی و دسته جمعی در محوطه زندان اوین به دار آویخته شدند. به نظر شما هدف حکومت از این اعدام ها در شرایط کنونی چیست؟

آخرداد سپاهی: حقیقت این است که رژیم اسلامی از موضع ضعف و ترس از بر آمد احتمالی جنبش توده ای است که دست به این اعدام های جنایتکارانه زده است تا بلکه با مرعوب ساختن مردم اهداف خود را پیش ببرد. حکومت قصد دارد تا بزودی طرح حذف یارانه ها را آغاز کند و خود رژیم به خوبی می داند که اجرای این طرح موقعیت معیشتی مردم و مخصوصا اقشار و طبقات کم درآمد را مستقیما زیر ضرب قرار خواهد داد و وضعیت اقتصادی شان را از آنچه که هست بدتر خواهد کرد. اگر به این ها احتمال تصویب طرح محاصره اقتصادی ایران از سوی شورای امنیت را اضافه کنیم آنوقت در خواهیم یافت که مردم با چه مصیبت هایی روبرو خواهند بود. گفتن ندارد که در چنین شرایطی امکان بروز شورش های گسترده توده ای وجود خواهد داشت و اگر همه این ها را به جنبش سراسری ضد استبدادی یک سال گذشته اضافه کنیم آنوقت به وحشت رژیم و علت دست زدن به این اعدام های کور پی خواهیم برد. همه اقدامات حکومت نشان از دارد که آن ها حالا در برابر مردم شمشیر را از روبرو کشیده اند.

می مکران: روز پنجشنبه در پی فراخوانی نیروهای سیا سی، مردم کردستان دست به اعتصاب عمومی زندان ارزیابی تان از این حرکت اعتراضی چیست و فکر می کنید چه نتایجی می تواند در بر داشته باشد؟

آخرداد سپاهی: به نظر من این حرکت از سوی مردم با استقبال بسیار خوبی روبرو شده و می توان آن را موفقیت آمیز خواند. اکثریت مردم شهرهای کردستان آگاهانه و دلیرانه در آن شرکت داشتند. مردم کردستان با برپایی این اعتصاب سراسری اهداف شوم رژیم را به شک سبقت کشانیدند. اگر این حرکت شجاعانه صورت نمی گرفت حکومت در بره انداختن اعدام هایی از این دست گستاخ تر می شد. البته توجه باید داشت که موقعیت این حرکت در کردستان در متن یک مبارزه سراسری ضد استبدادی که یک سال اخیر به طور فعال و گسترده ای در ایران جریان دارد، توانسته مجال بروز یابد و به نتیجه برسد. همبستگی گسترده ای را هم که چه در داخل ایران و چه خارج از ایران با اعتصاب عمومی در کردستان شاهد بودیم را نیز باید در ارتباط مستقیم با همین مبارزه ضد استبدادی یک سال اخیر توضیح داد. رژیم جمهوری اسلامی که قصد داشت با این اعدام ها به اختلافات و جدایی میان فارس و غیرفارس دامن بزند، با وقوع اعتصاب عمومی در کردستان و حمایت بدریغ و شور انگیز بسیاری از ایرانیان از آن به همبستگی بین اقوام و ملل ایران دامن زده است. محکوم کردن قاطعانه اعدام ها توسط کانون نویسندگان ایران، مادران عزادار و سندیگای شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه، کانون صنفی معلمان و نهاد ها حقوق بشری و سازمان و گروه های سیاسی و فرهنگی، تنها سبب پیوند هر چه بیشتر مردم ایران در مبارزات ضد استبدادی شده است. البته بسیار بهتر بود که شهرهای بزرگ ایران نیز در اعتراض به این اعدام ها به این اعتصاب ها می پیوستند. باید امیدوار بود که در آینده شاهد بروز اعتصابات سراسری از این دست در سراسر ایران باشیم.

می مکران: با توجه به سیاست به شدت سرکوبگرانه رژیم در بلوچستان و اعدام تعداد زیادی از جوانان بلوچ در طول سال های اخیر، رابطه مبارزات مردم بلوچستان و جنبش سراسری را چگونه می بینید؟ آیا به کارگیری سلاح اعتصاب عمومی می تواند در مبارزات مردم بلوچستان علیه حکومت موثر واقع شود؟ آخرداد سپاهی: واقعیت این است که هر وقت از مبارزه در بلوچستان حرفی به میان می آید ذهن ها بلافاصله به سوی نبرد مسلحانه می رود. و این هم چندان بی پایه نیست زیرا بافت اجتماعی و طبیعت ساختاری بلوچستان طوری است که با وجود گسترش شهرنشینی و یکجا نشینی در روستاها، هنوز هم بخشی از عشایر شیوه زندگی گذشته خود را حفظ کرده اند و اسلحه جزیی جدایی ناپذیر زندگی شان است. علاوه بر این ها، موقعیت این منطقه طوری است که دسترسی تقریبا آسان مردم را به سلاح امکان پذیر می سازد. درست به همین دلیل بخش قابل توجهی از مردم بلوچستان در مو اجه با ستم و بی حقی هایی که توسط رژیم اسلامی در حق شان روا می شود دست به سلاح می برند. البته این شیوه مبارزه که با فراهم آمدن شرایط مناسب می تواند مورد توجه قرار بگیرد تاکنون غالبا هزینه زیادی برای مردم بلوچستان داشته و دست رژیم را در سوکوب مردم منطقه بازتر کرده است و متأسفانه برخی جریانات که مفهوم مبارزه را تنها در یکبار گیری اسلحه می بینند با این تفکرشان به نیت رژیم یاری می رسانند. با این حال مبارزه در بلوچستان در طول همه این سال ها تنها محدود به درگیری مسلحانه نبوده و شیوه های دیگری از جمله اعتراض و تظاهرات خیابانی نیز در آن وجود داشته است. اما اعتصاب عمومی در کردستان تجربه بسیار خوبی بوده و مردم بلوچستان مشتاقانه آن را مورد توجه قرار خواهند داد و بسیار به جاست تا از سوی فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بلوچ نیز مورد

توجه قرار گیرد. این نوع حرکات هزینه مبارزات مردمی را پایین خواهد آورد و دستاوردهای مبارزاتی را افزایش خواهد داد و امکان بسیار خوبی در جهت آموزش توده های مردم در تشکلات مردمی را فراهم خواهد آورد. و در مورد ارتباط مبارزات مردم بلوچ با مبارزات ضد استبدادی مردم ایران باید گفت که این ارتباط درسی سال گذشته به نحوی وجود داشته است. جامعه ایران در این سی سال به تحولات دیگر مناطق توجه نشان می دهد و بسیاری از روشنفکران و نهاد های حقوق بشری و سازمان های سیاسی از حقوق مردم ستمدیده بلوچستان دفاع می کنند. البته در این زمینه هنوز ضعف های بسیاری وجود دارد و تا رسیدن به یک وضعیت قابل قبول راه درازی در پیش است. واکنش در برابر سوکوب های رژیم معمولاً به موقع صورت نمی گیرد. مثلا وقتی وبلاگ نویس بلوچ یعقوب میرنهاد عضو "سازمان عدالت خواه بلوچستان" توسط رژیم اعدام گردید، به جز یک مورد، هیچکدام از سازمان های سراسری به این جنایت واکنشی نشان نداد و اعدام یک وبلاگ نویس را محکوم نکردند. و با در باره بی حقی مطلق که بر مردم بلوچ می رود صراحتا اعلام موضع نمی کنند. و درباره پیوند مردم بلوچستان با مبارزات سراسری مردم ایران باید گفت که مردم بلوچستان با ادامه مبارزه با ستم گری های رژیم، جزیی از این مبارزه سراسری بوده اند. در همین یکسال اخیر بازداشت، شکنجه و اعدام جوانان بلوچ افزایش یافته و اکنون دوازده نفر از مردم منطقه که در زندان های رژیم در اسارت بسر می برند در خطر اعدام قرار دارند. همه این ها در متن مبارزه سراسری علیه استبداد روی داده و می دهد. البته همبستگی میان اقوام و ملل ایران می تواند و باید گسترش یابد و اکنون زمینه ها برای چنین هدفی بیش از هر زمانی دیگر دست یافتنی تر به نظر می رسد. برای یک لحظه هم نباید فراموش کرد که بدون همبستگی بین کردها، بلوچ ها، ترک ها، عرب ها، کرمن ها، فارس ها و... آزادی و اتحاد داوطلبانه میان اقوام و ملل ایران نمی تواند تحقق یابد.

می مکران: با سپاس فراوان از شما و آرزوی پیوند هر چه بیشتر مبارزات ملیت های تحت ستم با مبارزات ضد استبدادی مردم سراسر ایران.

۲۵ اردیبهشت ماه ۲۵.۱۳۸۹ م ۲۰۱۰

## قطع کامل ارتباط زندانیان بند 1 زندان گوهردشت

### با خانواده هایشان

بنابه گزارشات رسیده به فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، تماس زندانیان سیاسی و عادی بند 1 زندان گوهردشت کرج از روز چهارشنبه با خانواده های خود قطع شده است.

از روز چهارشنبه 22 اردیبهشت ماه تماس زندانیان سیاسی بند 1 زندان گوهردشت کرج با جهان بیرون از زندان قطع شده است و هیچ خبری از وضعیت و شرایط زندانیان سیاسی و عادی این بند در دست نیست. همچنین ارتباط زندانیان بند 1 با سایر بندها قطع می باشد. از روز چهارشنبه هیچ زندانی از بند 1 به بهداری زندان مراجعه ای نداشته است که این مسئله باعث نگرانی است.

گزارشهایی حاکی از آن است که گارد زندان به صورت گسترده به زندانیان بی دفاع بند 1 بورش برده اند و آنها را مورد ضرب و شتم و اذیت و آزار قرار داده اند و حتی گفته می شود که ارتباط سالنها را قطع کرده اند و زندانیان هر سالن در ایزوله کامل بسر می برند. گزارشات حاکی از گسیل کردن بیش از 80 نفر از گارد زندان به آنجا است. این سرکوب با نظارت و فرماندهی علی حاج کاظم، علی محمدی رئیس و معاون زندان، کرمانی و فرجی رئیس و معاون حفاظت و اطلاعات زندان و حسن آخرین رئیس بند 1 و از شکنجه گران این بند می باشد.

هدف از این اقدامات سرکوبگرانه علیه زندانیان اسیر و بی دفاع که در حال حاضر فقط در بند 1 به اجرا گذاشته شده است نامشخص می باشد و احتمال داده می شود که شاید قصد اعدام گروهی زندانیان این بند را دارند در این بند تعداد زیادی از زندانیان محکوم به اعدام وجود دارند.

زنده یاد مهدی اسلامیان از اعدام شدگان 19 اردیبهشت ماه در این بند مخوف محبوس بود که شنبه گذشته بصورت ناگهانی برای اعدام به زندان اوین منتقل شد. زندانیان بند 1 زندان گوهردشت از لحظه شنیدن خبر اعدام زندانیان سیاسی 19 اردیبهشت اقدام به برگزاری مراسم برای جانبختگان راه آزادی کردند و دست نوشته هایی در تجلیل از این زندانیان سیاسی در بند 1 به دیوارنسیب کرده بودند و در تدارک این بودند که روز سه شنبه گذشته مراسم گسترده ای برای آنها بر پا کنند. در این مراسم قرار بود تمامی زندانیان این بند در آن شرکت داشته باشند جمعیت این بند به بیش 600 نفر می رسد.

در حال حاضر زندانیان سیاسی بهروز جاوید طهرانی در این بند در اسارت بسر می برد و هر بار که گارد زندان به آنجا بورش می برد. این زندانی تحت فشارها و اذیت و آزارهای آنها قرار می گیرد. بار ها او را به بهانه های واهی به شکنجه گاه این بند منتقل می کنند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، قطع ارتباط و یورشهای وحشیانه به زندانیان بی دفاع در زندان گوهردشت کرج را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر و سایر مراجع بین المللی خواستار اقدامات عملی برای پایان د ان به سرکوب زندانیان بی دفاع در ایران است.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

25 اردیبهشت 1389 برابر با 15 می 2010

تفاوت گفتار ها و کردار های رهبران جمهوری اسلامی ایران !

## انقلابی دیگر باید کرد!

احمد نوین



MEHR



MEHR



MEHR



MEHR



MEHR

پس از گذشت 31 سال از حاکمیت جمهوری اسلامی بر ایران، مقایسه و عدهای داده شده و اعمال انجام شده، عبرت انگیز است. آموزنده است توجه کنیم که روح الله خمینی، رهبر بلامنازع نظام، چه وعده هائی را میداد و امروز پس 31 سال وضعیت در شهرها و دهات ایران چگونه است.

همینطور به سخنان دیگر رهبران و صاحب منصبان رژیم که در گفتار مدعی میشوند که که نظام اسلامی، عین دموکراسی است، اما به هیچ نتایند مخالف نظر دستگاه ولایت و شخص ولی فقیه، اجازه ابراز نظر نمیدهند.

خمینی در گفتار مدعی میشد که "معنویات شما را، روحیات شما را عظمت میدهم. شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم." و یا "پیامبر نیز خودش یک کارگر بود...". اما، در عمل دستور قتل عام هزاران هزار معلم، کارگر، دانشجو، دانش آموخته، استاد دانشگاه، نویسنده و ... زن و مرد، پیر و جوان را، بدون تامل و در نهایت درنده خوئی صادر کرد. اشاره من از جمله به صدور فرمان اجرای قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان 1367 است.

خمینی در بیان به مردم میگفت؛ "مسکن برایتان میسازیم. آب و برق را مجانی میکنیم.". اما در عمل دستور حمله و بمباران ضد بشری شهرهای کردستان را صادر کرد!! به ترکمن صحرا و خوزستان حمله برد و خانه مردم را بر سرشان خراب و فعالان سیاسی، اجتماعی را از دم تیغ گذرانید. اکنون خامنه ای و رئیس جمهور جنایتکارش که مردم را خس و خاشاک می نامد و در سفرهای استانی شان به مردم " وعده های سر خرمن" میدهند که؛ به آنان رفاه و بهروزی هدیه خواهند نمود، پس از 31 سال که نظام جهنمی اسلامیشان، مردم را خانه خراب نموده و در رابطه با خیزش اعتراضی یک ساله گذشته نیز تنها پاسخ شان زندان، شکنجه، اعمال تجاوزات جنسی و اعدام بود است، برای تعمیق دستبرد به نان از سفره کارگران و زحمتکشان، طرح "لایحه هدفمند کردن یارانه ها" را در دستور کارشان قرار داده اند.

31 سال مقاومت و مبارزه مردم در مقابل نظام جهل و جنایت جمهوری اسلامی، اعتصاب عمومی سراسری مردم در کردستان و پیش از آن آغاز و تداوم خیزش اخیر مردم در ایران در این مقطع، نشانه هائی جدی از این امر است که اکثریت عظیم، قدر قدرتی نظ ام ولایت را به چالش کشیده اند. به عبارت دیگر همه و همه نشان میدهند که مردم زحمتکش و محروم ایران، در تداوم تعمیق آگاهی های ذهنیشان، اکنون دورانی را آغاز نموده اند که قاعدتاً تمامی این آگاهی های ذهنی میبایست در عمل بکار گرفته شود.

اگر اثرات این آگاهی ها را در عمل توده ببینیم، آنگاه، شرایط ذهنی مایهت یافته در عمل توده ها، نوید بخش آغاز پدیداری شرایط عینی ای است که تغییراتی گسترده را می طلبد. تغییراتی که تنها با پدیداری انقلاب، پاسخ شایسته خود را دریافت خواهند نمود.

زمین ساز و تضمین کننده پایداری آن انقلاب - که حق تعیین سرنوشت جامعه، توسط خود مردم حراست میشود - علاوه بر تعمیق آگاهی، سازماندهی کارگران و دیگر مزد و حقوق بگیران تحت ستم کشورمان است. امید که آن روز، دور میاد.

اکنون توجه شما را به سخنان روح الله خمینی در بهشت زهرا در 12 بهمن 1357 جلب میکنم و در پ ایان با ارائه تصاویری از بلوچستان ایران، قضاوت در رابطه با وعده وعدهای خمینی و دیگر رهبران و صاحب منصبان این رژیم را به شما واگذار مینمایم.

خمینی در آن زمان چنین میگفت:

" علاوه بر این که زندگی مادی شما را می‌خواهیم مرفه بشد، زندگی معنوی شما را هم می‌خواهیم مرفه باشد. شما به معنویات احتیاج دارید. معنویات ما را بردند این‌ها. دلخوش به این مقدار نباشید که فقط مسکن می‌سازیم، آب و برق را مجانی می‌کنیم، اتوبوس را مجانی می‌کنیم. دلخوش به این مقدار نباشید. معنویات شما را، روحیات شما را عظمت می‌دیم. شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم. ما هم دنیا را می‌آباد می‌کنیم و هم آخرت را. .... این دارایی ها از غنای ملت است و مال ملت است و مستضعفین. من امر کرده ام که به مستضعفین بدهند و خواهند داد. و پس از این هم تغییراتی دیگر در امور خواهد حاصل شد. لکن قدری باید تحمل کنید. به این حرفهای باطل گوش نکنید. این‌ها حرف می‌زنند. ما عمل می‌کنیم. اینها شما را می‌خواهند دلسرد کنند از اسلام. اسلام پشتیبان شماست"

اکنون پس از گذشت 31 سال از حاکمیت جمهوری اسلامی، توجه شما را به تصاویری از بلوچستان جلب میکنم. اینها " مشمت نمونه خروار است."، زیرا نظیر این تصاویر را در استان های دیگر کشورمان نیز میتوانیم مشاهده بکنیم.

## حکومتی که هرگز روی ثبات را به خود نخواهد دید

یوسف لنگرودی

### (به مناسبت اعدام پنج تن از فرزندان مردم)

رژیم تبهکار ولایت فقیه در یک اقدام جنایتکارانه دیگر، پنج نفر از جوانان این آب و خاک را پس از ماه‌ها زندان و بلا تکلیفی و بدون برخورداری از حق دفاع و وکیل مدافع در دادگاه، در یک اقدام ناگهانی و شتاب زده، سحرگاه روز یکشنبه نوزدهم اردیبهشت ماه به دار آویخت. اقدامی که موجی از انزجار و تنفر را علیه رژیم اسلامی دامن زده و یک بار دیگر چهره کریمه این حکومت را در میان مردم و افکار عمومی جهان هر چه بیشتر به نمایش گذاشته است. اسامی اعدام شدگان اخیر از این قرار است: شیرین علم‌هویی، مهدی اسلامی، علی حیدریان، فرهاد وکیلی و فرزند کمانگر. حکومت اسلامی از ابتدای به قدرت رسیدنش لحظه‌ای از سرکوب سپهتائیک مردم دست بر نداشته و تا کنون هزار نفر از فرزندان مردم را به دلایل واهی دستگیر، شکنجه و به جوخه‌های مرگ سپرده است. جنایتکاران حاکم بر کشور ما در روز کارگر، به سرکوب گسترده ترکارگران روی می‌آورند و به مناسبت روز معلم، کمر به قتل فرزندان مردم می‌بندند. همه این جنایات سازمان یافته رژیم اسلامی به این دلیل است تا به خیال خام خویش، از مردم زهر چشم بگیرد و بلکه چند صباحی دیگر به حکومت ننگین خود ادامه دهد؛ غافل از آنکه این شیوه‌ها همان گونه که تجربه همه این سال‌ها نشان داده، بی‌ثمر بوده و تنها نشانه ضعف و بی‌اعتباری هر چه بیشتر رژیم نزد مردم است. اکنون با نزدیک شدن ۲۲ خرداد، ترس و وحشت رژیم از اعتراض سراسری مردم باعث شده تا سیاست سرکوب و ترور علیه شهروندان کشور را گسترش دهد.

تبهکاران حاکم بر کشور که با سیاست‌های خود این سرزمین را در معرض خطر تهاجم نظامی و محاصره اقتصادی قرار داده‌اند، اکنون با روی آوردن هر چه بیشتر به سیاست سرکوب، زندان و اعدام بویژه در مناطق ملی از جمله بلوچستان و کردستان، می‌خواهند میان اقوام و ملل ایران خصومت به وجود آورده و بدین ترتیب موجودیت کشور را در لبه پرتگاه و فروپاشی قرار دهند. کسانی که چنین بی‌رحمانه فرزندان مردم را به قتل می‌رسانند، بدانند مردم این جنایات را فراموش نخواهند کرد و مسئولین این تبه‌کاری را نخواهند بخشید. همه آنان، چه کسانی که فرمان کشتار را صادر می‌کنند و چه آن‌هایی که مجریان این جنایات هستند، مخصوصاً رهبران اصلی نظام، در فردای سقوط این حکومت باید پاسخگوی همه جنایات خود باشند و به مجازات برسند. این آدم‌کشی‌ها همچنین نشان می‌دهد که این حکومتگران هستند که خشونت را بدون حد و مرز علیه شهروندان به کار می‌گیرند و مردم را به جایی می‌کشاند که برای جلوگیری از کشتار و ادامه موجودیت کشور چاره‌ای جز توسل به قهر برای شان باقی نمی‌ماند.

رژیم ایدئولوژیک ولایت فقیه یک دیکتاتوری معمولی نیست که برای بقای خود وارد داد و ستد با مردم شود؛ یعنی امتیازاتی بدهد و امتیازاتی بگیرد و با تأمین خواسته‌هایش دست از سر مردم بردارد. جانورانی بر کشور ما بر اریکه قدرت نشسته‌اند که حتی اگر مردم کاری به آنان نداشته باشند باز هم آنان را به حال خود نمی‌گذارند و با در پیش گرفتن سیاست‌های عمیقاً ارتجاعی، به طور روزمره و دایمی به مردم و حقوق شهروندی آن‌ها تعرض کرده و آنان را در برابر خود قرار می‌دهند و این ناشی از ذات متناقض و ایدئولوژیک عصر حجری رژیم ولایت فقیه است که به یک بن بست غیر قابل حل گرفتار آمده و نمی‌تواند از آن رهایی یابد. این تناقض ذاتی حکومت اسلامی که با نگاه به گذشته می‌خواهد بر یک ملت بزرگ با فرهنگی غنی و با سطح قابل توجهی از مدرنیته حکومت کند، به بحران‌های بزرگ و مقابله دایمی با مردم در همه زمینه‌ها دامن می‌زند. از این روست که این حکومت هرگز روی ثبات را نخواهد دید و برای رهایی از همه تناقضاتی که با آن روبروست راهی جز سرنگونی‌اش وجود ندارد؛ امری که دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد. روند ناگزیری که حکومت خود بیش از همه از آن آگاهی دارد و همین آگاهی از این سرنوشته محتوم است که رژیم را وامی‌دارد که از سر نو میدی و ضعف به طور پیوسته دست به جنایت علیه مردم بزند. یک چیز دیگر را رژیم بهتر از همه می‌داند و آن این است که دیگر حتی چنین کشتارها و جنایاتی مانع از سقوطش نخواهد شد. مقاومت مردم در سی سال گذشته و مخصوصاً مبارزات پرشور آنان علیه رژیم در یک سال اخیر، خود گویای این حقیقت است. ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۹

## توافق هسته‌ای رژیم و پی‌آمدهای آن

یوسف لنگرودی

حکومت اسلامی پس از سال‌ها تلاش و پافشاری برای دست‌یابی به تکنولوژی هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم با غلظت بالا در داخل کشور، از قرار معلوم به درخواست ژانسن بین‌المللی و حرف‌های خود گردن نهاده و پذیرفت که مبادله غنی‌سازی را در کشوری ثالث و در خارج از ایران انجام دهد. رامین مهمان‌پرست سخنگوی وزارت خارجه رژیم اسلامی از ترکیه به عنوان کشوری نام برد که مبادله سوخت هسته‌ای در آن صورت خواهد گرفت. این توافق پس از مذاکرات بین احمدی‌نژاد و سران کشورهای برزیل و ترکیه، بعنوان دو عضو غیر دائم شورای امنیت، حاصل گشت. بر اساس این تفاهم، هزارو دویست کیلو اورانیوم ایران با غلظت سه و نیم درصد در خاک ترکیه به بیست درصد افزایش خواهد یافت و سپس بعنوان سوخت نیروگاه تحقیقاتی تهران به ایران تحویل داده خواهد شد. همه این مراحل تحت نظارت شدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواهد بود.

جمهوری اسلامی که حتی در آخرین روزها، همه کوشش‌های خود را به کار بست تا شاید با جلب کشورهای "دوست" در شورای امنیت (اعضای غیر ثابت)، در تصویب نور جدید تحریم‌ها مانع ایجاد کند، پس از آن که دریافت از مجموع ده عاوه غیر ثابت شورای امنیت هیچ کشوری از آن حمایت نخواهد کرد و دیگر هیچ راه‌گریزی برای فرار از تحریم اقتصادی وجود ندارد، در شرایطی قرار گرفت که مجبور به گردن نهادن به توافق هسته‌ای شد. برای اینکه این کنار آمدن جنبه اجرایی پیدا کند باید به تأیید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کشورهای گروه وین (مربک از آمریکا، روسیه و فرانسه) برسد. حال صرف نظر از اینکه این توافق مورد قبول طرف‌های مقابل رژیم اسلامی قرار بگیرد و یا اینکه اساساً حکومت اسلامی به آن وفادار بماند یا نه، پیامدهایی با خود به همراه دارد که برخی از مهمترین شان به قرار زیر است:

اولاً- به وضوح نشان می‌دهد که رژیم اسلامی برقراری دور جدید تحریم‌ها را جدی گرفته و با توجه به انزوای شدید در عرصه جهانی، به هیچ وجه توان مقابله با تحریم‌ها را ندارد. همه این‌ها در دنیای سیاست - چه در سطح جهانی و چه در عرصه داخلی - به معنای تسلیم و ضعف رژیم تلقی خواهد شد.

ثانیاً - عقب‌نشینی رژیم ولایت فقیه در این زمینه بی‌تردید برایش بی‌هزینه نخواهد بود و مقدمه عقب‌نشینی‌های بیشتری در عرصه‌های دیگری مخصوصاً در مسائلی مربوط به بازی قدرت در منطقه را به همراه خواهد داشت. باید توجه داشت که توافق هسته‌ای رژیم نه از سر قدرت بلکه از موضع ضعف حاصل شد که یکی از عوامل مهم آن، علیم‌اشکار و پنهانی بوده که از سوی روسیه و چین بیای همراهی با تحریم‌های جدید ارسال می‌شد. حکومت در این اواخر متقاعد شد که دوره بازی با کارت روسیه و چین در عرصه جهانی برای مانور دادن در مقابل غرب به سر رسیده است. مخصوصاً روسیه اخیراً با تدوین سیاست‌های جدید در عرصه خارجی که با ارتباط مستقیم با برنامه‌های جدید آن کشور در عرصه داخلی قرار دارد، اولویت‌های بسیار مهمی برای خود قابل شده که بدون جلب همکاری و موافقت ایالات متحده آمریکا تحقق نخواهد یافت. نزدیکی بیش از حد به ایران، روسیه را از دست یافتن به هدف‌های تعیین شده‌اش دور می‌سازد. واکنش غرب پیرامون توافق اخیر که قبلاً برای حصول به سازش‌هایی از این دست، اشتیاق فراوانی نشان می‌داد و حاضر بود درازای تحقق آن، امتیازات بزرگی را برای رژیم در نظر بگیرد، با احتیاط و سردی همراه بوده که می‌تواند نمایانگر ادامه فشار بر روی حکومت، حتی پس از این توافق باشد. کاخ سفید، مقامات اتحادیه اروپا و مقامات فرانسه و انگلیس توافق مذکور را به معنای پایان مناقشه هسته‌ای ایران و رفع تحریم‌ها نمی‌دانند و حتی رئیس‌جمهور روسیه با وجود استقبال محتاطانه، ماجرا را پایان یافته تلقی نمی‌کند. چنین موضع‌گیری‌هایی از سوی کشورهای درگیر در مناقشه هسته‌ای رژیم، از آگاهی این کشورها از ضعف مفرط رژیم و بی‌اعتباری شدید آن در میان مردم ایران ناشی می‌شود.

ثالثاً- گردن نهادن به سازش مذکور، از سوی رژیم، در این برهه از زمان، بیش از هر چیزی به دلیل وحشت حکومت از امکان وقوع اعتصابات سراسری و شورش هم‌زمان کارگران، کارمندان رزم کشت، تهیستان اقوام و ملل تحت ستم است که حکومت به ناچار، به عقب‌نشینی در زمینه هسته‌ای تن در داده است. موجودیت رژیم ولایت فقیه که از سوی جنبش ضد استبدادی در یک سال اخیر مورد تهدید قرار گرفته، و مخصوصاً بر سر ماجرای مربوط به حذف پارانه‌ها، احتمال رویایی‌های بزرگ با مردم افزایش یافته، امکان تنوام مانور در عرصه هسته‌ای را عملاً از آن سلب کرده است.

رابعاً - با این توافق، هم خطر گرفتار شدن کشور در چنگال تحریم‌های اقتصادی و هم خطر تهاجم نظامی کاهش می‌یابد (البته هنوز نمی‌توان در این باره خوشبین بود) و هم حکومت دیگر نخواهد توانست تحت شعار "دانش هسته‌ای حق مسلم ماست" به فریب و تهییج افکار آن بخش از مردم عقب‌مانده بپردازد و با پیوند دادن آن با منافع ملی کشور و همسو دانستن مخالفان با بیگانگان، از آن بعنوان چماق سرکوب علیه مردم و نیروهای مخالف استفاده کند. تبهکاران حاکم بر کشور که برای بردن جنایت علیه مردم به ادامه بحران هسته‌ای نیاز داشتند و برای شعله‌ور نگه داشتن آن تا به حال از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند، حالا به نظر می‌رسد این بار نوبت مخالفان و مردم باشد که از این عقب‌نشینی رژیم استفاده کرده و دولتی را که در برابر خواسته‌های برحق آنان ذره‌ای عقب نمی‌نشیند، اما در برابر تهدید و فشار بیگانگان تسلیم می‌شود، مورد ملامت و حملات خود قرار دهند.

به هر حال، موضع ضعیف رژیم در عرصه بین‌المللی را باید به نفع جنبش ضد استبدادی مردم ایران دانست و آن را نتیجه مستقیم قدرت‌گیری و مطرح شدن نقش جنبش ضد استبدادی در داخل کشور تلقی کرد. این موضع می‌تواند امکانات حکومت را برای سرکوب مردم کاهش داده و فضای تنفس بهتری برای جنبش مردمی فراهم خواهد آورد

۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۹

## گفتارهای سیاسی روز - رادیو راه کارگر

### اعتصاب سراسری و اهمیت گسترش همسویی و همبستگی در برابر استبداد

اکنون و با گذشت پنج روز از اعدام پنج نفر از زندانیان سیاسی و موج پدیده اعتراض و مخالفت و محکومیت این اقدام آشکارا می توان دید که این اعدام ها نه تنها زمینه گسترش ارباب و وحشت عمومی در سطح جامعه، بستن زبان های منتقد و خودداری از ادامه اعتراضات نشده است؛ بلکه به نوبه خود به همسویی فراگیر طیف گسترده ای از مخالفان و معترضان به دیکتاتوری و به همبستگی ملی در پیکار ضد استبدادی فرا رويیده است.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در زندان، اعتصاب غذای دانشجویان و اعتصاب سراسری در کردستان و بیانه های شجاعانه دهها تشکل و نهاد مستقل مدنی در داخل کشور و در راس همه دانشجویان به عنوان پیشگامان جنبش ضد دیکتاتوری، نشان می دهند که نقشه سرکوبگران در افزایش ارباب از طریق اعدام ها عقیم مانده و با شکست و رسوایی کامل روبرو شده است. گزارش هایی که از شهرهای مختلف کردستان انتشار یافته نشان می دهد که فراخوان ها به اعتصاب سراسری با موفقیت قابل توجهی روبرو شده و سکوت شهرهای کردستان را فرا گرفته است.

موفقیت فراخوان اعتصاب و تاثیرات انکارناپذیری که این شکل از اعتراض در ارتقا همسویی و همبستگی مردم در مبارزه ضد دیکتاتوری دارد؛ بستر واقعی برای عبور تدریجی از خصلت واکنشی به خصلت کنشگرانه در رویکرد به اعتصاب را فراهم آورده است. در شرایطی که جان حداقل 20 نفر در زندان های کردستان و تهران و ۱۲ نفر در بلوچستان را اعدام تهدید می کند، در شرایطی که گروه بزرگی از زندانیان سیاسی و اسرای جنبش اعتراضی با احکام سنگین و ظالمانه قضایی روبرو شده اند، و در شرایطی که برگزاری جمعیت اعتراضی به خاطر لشکرکشی نیروهای سرکوب و بسیج گسترده نیرو از سوی رژیم با هزینه های سنگینی روبروست، گسترش اعتصاب با خواست لغو فوری و بیدرنگ احکام اعدام و آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی از این ظرفیت برخوردار است که در وضعیت کنونی در مرکز توجه همه مدافعین آزادی و عدالت اجتماعی قرار بگیرد.

با اعتصابات زنجیره ای در جهت تامین این خواست ها هر جا که چنین امکانی واقعا وجود دارد، می توان ابتکار عمل را از سرکوبگران گرفت، همبستگی را از اعتراض نسبت به اعدام پنج زندانی سیاسی به تدریج به اعتراض علیه احکام صادره برای همه محکومان به اعدام ارتقا داد و به ماشین جنایت دولتی بیش از این امکان نداد که از جان زندانیان سیاسی برای ارسال پیام وحشت و مرگ و ارباب به جامعه سواستفاده کند. با اعتصابات زنجیره ای می توان هر چه بیشتر پیام آزادی و برابری را در برابر پیام وحشت و ارباب حکومت در سطح جامعه پراکند، سانسور و خفان و سرکوب را عقیم گذاشت و قشر ها و لایه های اجتماعی هر چه بیشتری از مردم را با هزینه ای کمتر به میدان مقاومت و اعتراض کشاند. اعتصابات زنجیره ای بویژه در دانشگاهها و از سوی دانشجویان و در متن حضور موثر مبارزاتی خانواده های همه اعدام شده گان سال اخیر هر جا و به هر میزان که مسیر است در شرایطی که به سالگرد نخستین خیزش ضد دیکتاتوری مردم ایران نزدیک می شویم؛ فشار سنگینی را که هم اکنون متوجه اسرای جنبش اعتراضی، زندانیان سیاسی، فعالین مدنی دارای پرونده در محاکم قضایی و نهادهای امنیتی شده است، کاهش می دهد و تمرکز سرکوبگران را در هم می ریزد. از این رو شایسته است گسترش اعتصاب تا لغو احکام اعدام، تا آزادی زندانیان سیاسی و کلیه بازداشت شده گان جنبش اعتراضی در کانون توجه جنبش ضد دیکتاتوری در وضعیت کنونی قرار بگیرد.

14 مای 2010

بیست و دو خرداد سالروز آغاز خیزش نوین ضد دیکتاتوری مردم ایران است. این سالگرد مهم از هم اکنون به مقطع نوعی هم آوردی با دیکتاتوری تبدیل شده است. از عاشورای خونین 88 به این سو دیگر کاملا روشن شده است که رژیم تلاش می کند تا به هر ترفندی در این روز از برگزاری اجتماعات توده ای اعتراضی جلوگیری کند، روشن شده است که به هیچ وجه به هیچ مخالف و معترضی اجازه راهپیمایی و تجمع و حتی بهره برداری از جمعیت حکومتی و مراسم ها برای بیان اعتراض نخواهد داد و روشن است که دست به بازداشت های گسترده؛ احضار و تهدید تلفنی فعالین و ارسال پیامک های تهدیدآمیز خطاب به مردم در ابعاد وسیع خواهد زد. حتی هیچ بعید نیست که با وجود اعتراضات گسترده و دامنه داری که در داخل و در سطح جهان در محکومیت اعدام ها در گرفت، تعداد دیگری از زندانیان سیاسی را بر دار کند و به هر ترفندی که می تواند ارباب و وحشت پراکنی را در آستانه این روز شدت بخشد. همه این نتایج صرفا تعمیم ساده عملکرد دستگاه ولایی و دولت نظامی/ امنیتی آن در ماههای اخیر است. و میدانیم که این دستگاه سرکوب و نیرنگ؛ از توان طراحی توطئه های پیچیده نیز برخوردار است. در حقیقت جنبش نوین ضد دیکتاتوری با تجربه یک سال رویارویی به خوبی آموخته است که با چه دستگاه سرکوبگر مکاری روبروست و هیچ گونه توهم و خوشیابوری نسبت به امکان دریافت مجوز برگزاری تجمع و اعتراض ندارد. از اینجاست که اعتصاب به عنوان شکلی کم هزینه تر از اعتراض در وضو عیت سرکوب شنید در کانون توجه قرار می گیرد. شکلی که شبکه های اجتماعی و فعالین جنبش اعتراضی با تاکید بر آن و تبلیغ هر چه گسترده ترش می توانند سالروز جنبش نوین ضد دیکتاتوری را به زمان یک ضربه جدید به دستگاه ولایی تبدیل کنند.

جنبش اعتراضی از عاشورای 88 به این سو اگر چه نتوانسته است رویارویی های گسترده خیابانی و تظاهرات وسیع را تداوم بخشد، اما محدودیت های این شکل از اعتراضات اهمیت توجه به اعتصاب به عنوان یک سلاح کارا در پیکار ضد دیکتاتوری را برجسته تر ساخته است. از آنجا که اعتصاب حداقل برای بسیاری از اقشار و لایه های اجتماعی تنها بر محور مطالبات مشخص و معین می تواند صورت بگیرد، و از آنجا که بخشی از این مطالبات صنفی، رفاهی، عاجل و فوری هستند، نیازهای تداوم جنبش اعتراضی به تدریج لزوم همسویی و هم پیوندی با مطالبات واقعی اقشار و لایه های مختلف جامعه را تقویت کرد. فشار بیرحمانه رژیم و سرکوب شدید و دائم، پر کردن شکاف هایی را که مانع گسترش اتحاد عمل مبارزاتی بخش های مختلف اردوی نیروهای ضد دیکتاتوری بود وجهه انکارناپذیر بخشید و از این مجموعه جنبش ضد دیکتاتوری در دو سمت مهم به تقویت درونی خویش پرداخت. سراسری در کردستان که با حمایت و همدلی در سطح کشور روبرو شد علاوه بر آنکه سرمشقی شایان توجه در بهره جویی از اعتصاب شد، برای اولین بار اتحاد عمل در نفی اعدام را به حلقه ای در توجه به مطالبات برحق ملی تبدیل کرد. رویکردی مشابه را در جریان روز جهانی کارگر اسما نیز شاهد بودیم. بی تردید این هنوز گام های اولیه در پیوند جنبش ضد دیکتاتوری با جنبش مطالباتی و بویژه مطالبات ملی و کارگری به شمار می رود و تقویت هر چه بیشتر این پیوندها برای توانمندسازی جنبش ضد دیکتاتوری و گسترش واقعی دامنه نیروهای موثر شرکت کننده در اعتراضات همچنان از الزام موکدی برخوردار است. هر چه این پیوند با شتاب بیشتری گسترش یابد، به همان میزان احتمال حمایت بخش های بزرگ تری از مردم از ایده اعتصاب وجود دارد. اعتصابات منفصل زنجیره ای در دانشگاهها هر جا و به هر میزان که امکان و بهانه آن واقعا فراهم است و اعتراضات خانواده های همه اعدام شده گان سی و یک سال سرکوب و دیکتاتوری همراه با خانواده های زندانیان سیاسی این سالیان بر علیه اعدام، زندان، سرکوب و شکنجه دو عرصه از حرکت های اعتراضی هستند که می توانند پس از حرکت درخشان اعتصاب سراسری در کردستان اقدامات اعتراضی را تا ایستگاه بیست و دو خرداد تداوم بخشد. جنبش دانشجویی تاکنون همیشه نقش پیشگام جنبش ضد دیکتاتوری را بر عهده داشته است. همین جنبش است که اکنون می تواند در جلب توجه عموم مردم به اهمیت بهره برداری هر چه وسیع تر از اعتصاب نقش راهگشا و پیشرو ایفا کند. نوشته شده در می 15، 2010

**نگاهی به شرایط و موقعیت توافق ایران بر سر مبادله سوخت هسته ای**  
رژیم اسلامی همچنین در شرایطی به تبادل سوخت هسته ای گردن گذاشته است که اجزای برنامه شوک تراپی و حذف پارانه ها را آن هم ظرف شش ماه در دستور دارد و این برنامه با انفجار قیمت ها و بیرون کشیدن آخرین لقمه های نان از سفره های زحمتکشان و تهیستان و محرومان جامعه؛ رژیم را در برابر کابوس شورش های بزرگ خودجوش توده ای قرار داده است. در شرایط بقای تهدیدآمیز جنبش نیرومند اعتراضی؛ چنین شورش هایی به منزله نفت پاشیدن بر شعله های طغیان و اعتراض است و این محاسبه ای نیست که مورد توجه دولت امنیتی نظامی و دستگاه ولایی قرار نگیرد باشد.

### در تدارک ضربه ای تازه به دستگاه ولایی در نخستین سالروز آغاز خیزش نوین ضد دیکتاتوری

اعتصابات منفصل زنجیره ای در دانشگاهها هر جا و به هر میزان که امکان و بهانه آن واقعا فراهم است و اعتراضات خان واده های همه اعدام شده گان سی و یک سال سرکوب و دیکتاتوری همراه با خانواده های زندانیان سیاسی این سالیان بر علیه اعدام، زندان، سرکوب و شکنجه دو عرصه از حرکت های اعتراضی هستند که می توانند پس از حرکت درخشان اعتصاب سراسری در کردستان اقدامات اعتراضی را تا ایستگاه بیست و دو خرداد تداوم بخشد.

توافق بر سر مبادله سوخت هسته ای که اصلی ترین حلقه بن بست مذاکرات هسته ای ایران و گروه کشورهای پنج باصافه یک پس از تصویب آخرین قطعنامه تحریم های اقتصادی ایران در شورای امنیت سازمان ملل بود، در شرایطی به دست آمد که روسیه و چین در یک ماه اخیر آشکارا به سایر کشورهای عضو گروه پن ج باصافه یک در تشدید تحریم اقتصادی ایران پیوسته بودند و امکان مانور رژیم اسلامی با کارت روسیه و چین در شورای امنیت سازمان ملل تقلیل یافته بود. همزمان زیر فشار آمریکا گروهی از شرکت ها و کنسرن های نفتی از بازار سرمایه گذاری نفت و گاز ایران به تدریج خارج شده و فروش بنزین به ایران را متوقف کرده بودند. برای رژیم اسلامی کاملا روشن بود که کشورهای عربی و بویژه دویی که شاهراه ارتباطی ورود کالا و خدمات و حتی واردات حدود 70 درصد بنزین وارداتی مورد نیاز ایران بود، در شرایط تصویب قطعنامه تشدید تحریم ها از سوی شورای امنیت قابل اطمینان نیستند و دور زدن تحریم ها در عین حال به هزینه های مالی نجومی منجر می شود که باید از خزانه خالی دولت ورشکسته تامین شود. توافق بر سر مبادله سوخت که به قصد کاستن از فشارهای خارجی بر رژیم اسلامی صورت گرفته است در عین حال در شرایطی انجام شده است که دستگاه ولایی و دولت نظامی امنیتی آن احساس می کنند جنبش پرادمانه ضد دیکتاتوری پس از اعتراض گسترده و سراسری به اعدام پنج زندانی سیاسی و اعتصاب غذای عمومی در کردستان سیمای تهدیدآمیزتری به خود گرفته است. اعتصاب به تدریج فراگیرتر می شود و رژیم می داند که اعتصاب آن شکلی از اعتراض است که امکان سرکوب متمرکز را از دست بیرون می کند، همبستگی صفوف معترضان را تقویت می کند و فرصت های تازه برای سامان یابی و ایجاد شبکه های نوین و گسترش آنها در اختیار معترضان و مخالفان دیکتاتوری مذهبی می گذارد. تجربه اعتصاب سراسری در کردستان در حال تعمیم است و درست همزمان با انتشار اخبار توافق بر سر مبادله سوخت هسته ای، فراخوان دانشجویان کرد دانشگاه تهران، بخشی از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، گروهی از دانشجویان دانشگاه کردستان، بخشی از دانشجویان دانشگاه تبریز و گروهی از دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه به اعتصاب سراسری در دانشگاهها انتشار یافته است.

رژیم اسلامی همچنین در شرایطی به تبادل سوخت هسته ای گردن گذاشته است که اجرای برنامه شوک تریبی و حذف پارانه ها را آن هم ظرف شش ماه در دستور دارد و این برنامه با انفجار قیمت ها و بیرون کشیدن آخرین لقمه های نان از سفره های زحمتکشان و تهیستان و محرومان جامعه، رژیم را در برابر کابوس شورش های بزرگ خودجوش توده ای قرار داده است. در شرایط بقای تهدیدآمیز جنبش نیرومند اعتراضی؛ چنین شورش هایی به منزله نفت پاشیدن بر شعله های طغیان و اعتراض است و این محاسبه ای نیست که مورد توجه دولت امنیتی نظامی و دستگاه ولایی قرار نگرفته باشد. اما حتی اگر پذیرش تبادل سوخت هسته ای به قصد تمرکز بر جنبش اعتراضی و الویت دادن به نابودی آن در دستور کار رژیم قرار گرفته باشد، و به همین دلیل هشداردهنده باشد، این اقدام از چند جهت در مجموع مثبت است. اولاً از این جهت که بحران و تنش بیشتر در مناسبات بین المللی می توانست بهانه و مقدمات مداخله بیشتر قدرت های خارجی در اوضاع پر آشوب کنونی ایران را فراهم کند، توافق بر سر سوخت این بهانه را کاهش می دهد. ثانیاً از این زاویه که، انجماد نسبی این بحران، رژیم را از یکی از ابزارهای مهم منحرف کردن توجه افکار عمومی و بازی با کارت ملی گرای عظیم طلبانه و زدن انگ وابستگی به خارج به مردم و فعالان جنبش اعتراضی یا بستن دهان ها به بهانه تحرکات دشمن خارجی محروم می کند، و ثالثاً به این خاطر که با انجماد بحران در حوزه مناسبات خارجی، شرایط قطبی شدن تضاد منافع اکثریت عظیم مردم ایران با دستگاه ولایی و دولت امنیتی/نظامی آن بهبود می یابد و مردم ایران امکان می یابند بدون مزاحمت ها و مداخلات خارجی تکلیف خود را با حکومت اعدام و شکنجه و فقر و فلاکت یکسره کنند. 18 می 2010

#### توافق تهران و پیش نویس قطعنامه تحریم های جدید

توافقنامه تهران ممکن است تا حدودی و تا مقطع زمانی محدودی بتواند بر سر راه پیشروی فشارهای خارجی مانع ایجاد کند؛ اما زمینه های بازتولید آن را دست نخورده می گذارد و از این رو آمریکا اگر حتی نتواند از طریق شورای امنیت فشار بر ایران را شدت دهد از اهرم های دیگر استفاده خواهد کرد. کما این که خروج پی در پی شرکت های نفت و گاز از بازار ایران و قطع فروش بنزین در ماههای اخیر نه در چهارچوب قطعنامه تحریم ها که به موازات تلاش در این زمینه صورت گرفته است.

ارائه پیش نویس قطعنامه جدید تحریم های اقتصادی ایران به شورای امنیت سازمان ملل با وجود توافق مبادله سوخت هسته ای بیانگر چند نکته مهم و کلیدی است.

اولاً: توافقنامه ایران، ترکیه و برزیل بر سر تبادل سوخت هسته ای در دقیقه 90 یعنی یک روز پیش از ارسال پیش نویس جدید قطعنامه تحریم ها به دست آمد. با توجه به این که چند ماه پیش از این توافق مشابهی در وین صورت گرفت؛ اما رژیم اسلامی بسرعت زیر آن توافق زد؛ توافقنامه دقیقه 90 تهران نتوانست و نمی توانسته است مانع ارائه قطعنامه جدید تحریم ها که تهران به خوبی از چند و چون پیشرفت آن و حمایت روسیه و چین از آن آگاهی داشت شود. این شیوه توافق نشان می دهد که برای رژیم نه جلوگیری از تحریم بلکه بازی دیپلماتیک و انداختن توپ به زمین حریف و ایجاد شکاف و تردید در میان اعضای شورای امنیت مهم بوده است.

ثانیاً: با این که مساله تبادل سوخت یکی از گره های مهم بن بست پرونده هسته ای ایران در مناقشه با غرب بود؛ اما خود تبادل سوخت با هدف پایان دادن به غنی سازی اورانیوم در ایران از سوی کشورهای غربی مطرح بود؛ در حالی که توافقنامه تهران چیزی در باره پایان دادن به غنی سازی اورانیوم نمی گوید و برعکس مقامات رژیم همچنان بر ادامه غنی سازی اورانیوم تاکید می کنند.

ثالثاً: تهیه پیش نویس قطعنامه جدید که موتور اصلی محرکه آن آمریکا بود نه فقط از ج زئیات فنی برنامه هسته ای ایران و مثلاً درصد غنی سازی؛ نحوه تهیه سوخت و ترتیبات آن، بلکه در گام اول از سیاست خاورمیانه ای آمریکا متأثر است. آمریکا برای حفظ نفوذش در خاورمیانه به عنوان یک قدرت فائقه باید بتواند چاشنی ضدیت حاد مسلمانان این منطقه و بویژه در کشورهای عربی را بیرون بکشد و خنثی کند. ایجاد چیزی شبیه به یک دولت فلسطینی از حداقل های این سیاست است، اما پیشبرد این سیاست با مخالفانی قدرتمند در درون جامعه آمریکا روبروست، مخالفانی که رویاهای فاشیستی احمدی نژاد در نابودی اسرائیل به پشتوانه مهم تبلیغاتی شان تبدیل شده است و شب و روز تبلیغ می کنند که فرقه انتظار یون که از طریق احمدی نژاد بر سیاست ایران غلبه یافته است از هر عقلانیتی در سیاست به دور است. آنها می گویند کسانی که رسماً هولوکاست را انکار می کنند؛ زلزله را به حجاب زنان مربوط می سازند و تبدیل شدن اوضاع به جهنم واقعی را مقدمه ظهور امام آخرشان می دانند اگر به بمب اتم دست پیدا کنند اسرائیل را نابود خواهند کرد. پیشروی سیاست خاورمیانه ای آمریکا

منسازم مقابله فعال با این تبلیغات و خنثی کردن این سیاست است که سوخت اصلی خود را از سیاست های دارنده احمدی نژاد می گیرد. به همین جهت مقابله با سیاست های تهران و مخصوصاً خنثی کردن احمدی نژاد و حذف او از اولویت های سیاست خاورمیانه ای آمریکاست. ادامه سیاست های ماجراجویانه رژیم امنیتی / نظامی احمدی نژاد و پیشینه مخالفت های این دولت با حل بحران ناشی از مساله هسته ای ایران و پشت پا زدن های دائم به توافقات برای خرید فرصت، زمینه و بستر مناسبی است برای پیشروی آمریکا در این زمینه. به عبارت دیگر تا زمانی که دارنده احمدی نژاد بر سر قدرت بمانند، مانورهایی نظیر توافق تهران مانع ادامه فشارهای بین المللی بر ایران نخواهد شد. مردم ایران گرفتار دولت قشری سرکوبگر و واپس گرای هستند که نفس موجودیت اش بهانه برای مداخله در امور داخلی به کشور های دیگر می دهد. رابعاً: نظر به آن چه گفته شد اساساً جمع شدن بساط دولت احمدی نژاد در واقع از ملزومات ناتوانی کاهش فشار بین المللی بر ایران است و تا زمانی که انتظار یون در همدستی با دستگاه ولایت سکان سیاست های ایران را در دست داشته باشند چشم اندازی برای پایان دادن به فشار زمانی محدودی بتواند بر سر راه پیشروی فشارهای خارجی مانع ایجاد کند؛ اما زمینه های بازتولید آن را دست نخورده می گذارد و از این رو آمریکا اگر حتی نتواند از طریق شورای امنیت فشار بر ایران را شدت دهد از اهرم های دیگر استفاده خواهد کرد. کما این که خروج پی در پی شرکت های نفت و گاز از بازار ایران و قطع فروش بنزین در این ماههای اخیر نه در چهارچوب قطعنامه تحریم ها که به موازات تلاش در این زمینه صورت گرفته است. ناگفته روشن است که تحریم های جدید وضعیت وخیم اقتصادی ایران را وخیم تر خواهد کرد به فقر و فلاکت و تهیدستی مردم ایران دامن خواهد زد؛ کمبودها را در سطح جامعه گسترش خواهد داد؛ شرایط احیای اقتصادی را دشوارتر خواهد کرد و در مجموع بر رنج و عذاب مردم ایران خواهد افزود. تحریم ها در عین حال می تواند با شکاف در صفوف جنبش ضد دیکتاتوری و تقویت نسبی گرایش هایی که حذف دولت پادگانی احمدی نژاد از طریق مکانیسم های باصلاح انتخاباتی در عین حفظ نظام موجود را می خواهند، فرایند رادیکالیزه کردن مبارزات مردم ایران را کندتر کند و تاثیرات مخربی هم بر پیشروی جنبش ضد دیکتاتوری به سمت دمکراتیزاسیون به جا گذارد. می 19، 2010

## سیمین بهبهانی



### برای روزنبرگ‌ها

خبر کوتاه بود:

- «اعدامشان کردند.»

خروش دخترک برخاست.

لبش لرزید.

دو چشم خسته‌اش از اشک پُر شد،

گریه را سر داد . . .

و من با کوششی پُر درد، اشکم را نمانم کردم.

### - چرا اعدامشان کردند؟

می‌پرسد ز من با چشم اشک‌آلود،

چرا اعدامشان کردند؟

- عزیزم، دخترم!

آنجا، شگفت‌انگیز دنیایی است:

دروغ و دشمنی فرمانروایی می‌کند آنجا.

طلا: این کیمیای خون انسان‌ها

خدایی می‌کند آنجا.

شگفت‌انگیز دنیایی که همچون قرن‌های دور

هنوز از ننگ آزار سیاهان دامن‌آلوده‌ست.

در آنجا حق و انسان حرف‌های پوچ و بیهوده‌ست.

در آنجا رهزنی، آدم‌کشی، خون‌ریزی آزادست،

و دستی پای آزادی‌ست در زنجیر . . .

عزیزم، دخترم!

آنان

برای دشمنی با من

برای دشمنی با تو

برای دشمنی با راستی اعدامشان کردند!

و هنگامی که یاران،

با سرود زندگی بر لب،

به‌سوی مرگ می‌رفتند،

امیدی آشنا می‌زد چو گل در چشمشان لبخند.

به‌شوق زندگی آواز می‌خواندند.

و تا پایان به‌راه روشن خود باوقا ماندند.

عزیزم!

پاک کن از چهره اشکت را، ز جا برخیز!

تو در من زنده‌ای، من در تو: ما هرگز نمی‌میریم.

من و تو با هزاران دگر،

این راه را دنبال می‌گیریم.

از آن ماست پیروزی.

از آن ماست فردا، با همه شادی و بهروزی.

عزیزم!

کار دنیا رو به آبادی‌ست.

و هر لاله که از خون شهیدان می‌دمد امروز،

نوید روز آزادی‌ست.

تهران، 30 خرداد 1332

هوشنگ ابتهاج (ه. الف. سایه)

از مجموعه «یادگار خون سرو»

هر چند دخمه را بسیار خاموش و کور می بینم

در انتهای دالانش، یک نقطه ی نور می بینم

هر چند پیش رو دیوار، بسته ست راه بر دیدار

در جای جای ویرانش، راه عبور می بینم

هر چند شب دراز آهنگ، نالین زمین و بالین سنگ

در انتظار روزی خوش، دل را صبور می بینم

تن کم توان و سر پردرد، پام ضعیف و دستم سرد در سینه لیک غوغایی،

از عشق و شور می بینم

گر غول در شگفت از من، پاس گذر گرفت از من

با چشم دل عزیزان را، از راه دور می بینم

من کاج آهنین ریشه، هرگز میبدم اندیشه

بر خاک خود اگر موجی، از مار و مور می بینم

طوفان چو در من آویزد، ناکام و خسته بگریزد

از من هراس و پروایی، در این شرور می بینم

هر جا خلاقی افتاده است، جای حضور فریاد است

من رمز کامیابی را، در این حضور می بینم

هشتاد و اند من با من، گوید خروش بس کن زن!

گویم خموش بودن را، تنها به گور می بینم

دوازدهم فروردین ۱۳۸۹

### در سوگ پنج جوان شهید

شعری از سیمین بهبهانی، شاعر آزاده ایران

بگو چگونه بنویسم یکی نه، پنج تن بودند

نه پنج، بلکه پنجاهان به خاطرات من بودند

\* و هنگامی که یاران،

با سرود زندگی بر لب،

به‌سوی مرگ می‌رفتند،

امیدی آشنا می‌زد چو گل در چشمشان لبخند.

به‌شوق زندگی آواز می‌خواندند.

و تا پایان به‌راه روشن خود باوقا ماندند.

\* و هنگامی که یاران،

با سرود زندگی بر لب،

به‌سوی مرگ می‌رفتند،

امیدی آشنا می‌زد چو گل در چشمشان لبخند.

به‌شوق زندگی آواز می‌خواندند.

و تا پایان به‌راه روشن خود باوقا ماندند.

نسیم در درختستان به شاخه ها چو می پیوست

\* پیام هاش دست افشان به سوی مرد و زن بودند

کنون سری به هر داری شکسته گردنی دارد

\* که روز و روزگاری یلان تهمتن بودند

چه پای در هوا مانده چه لال و بی صدا مانده

\* معطل اند این سرها که دفتری سخن بودند

مگر بیارد از ابری بر این جنازه ها اشکی

\* که مادران جدا مانده ز پاره های تن بودند

ز داوران بی ایمان چه جای شکوه ام کاینان

\* نه خصم ظلم و ظلمت ها که خصم ذوالمنن بودند



## کجای زمان ایستاده بودیم که طوفان بلا برخواست

رفتار ساعت به چه می مانست  
که گام های فاصله  
از آن سوی تاریخ  
سدی شد میان ما و آینده  
و ما به تاریکی پناه بردیم.

آنگاه

باد ها از جناب سینه ی تاریخ  
با دردی کشتار گذشتند  
و رسولان جهل  
بر اریکه خشم یله دادند  
باغ و انبسان را  
یکجا سوزانند  
گل و کتاب را  
یکجا پر پر کردند  
و هزاران عاشق  
چنان جوان به کام مرگ فرو رفتند  
که سال هاست  
زمین بنفشه زاران است.

ما که بودیم

رفتار تاریخ به چه می مانست  
و این طوفان بلا ز کجا بود.

(2)

بر کشته گان خود  
سرویی می خوانیم  
و آندوه را

در آواز های خیس مان  
قسمت می کنیم.

در دوره ا بر فراز کوه ها  
بادها با ابرها  
طرح تازه ای  
ساز می کنند.

زخم هایمان را می بندیم  
چشم بردماند پیر  
ترانه های روزگار سرفرازی انسان را  
دگر بار توشه ی راهمان می کنیم  
بر فراز کوه ها

ابرها ترانه ای تر سازی می کنند.

عیدی نعمتی - اردیبهشت ۱۳۸۹

## نوری زاد: زنده نخواهم ماند/

### ضربه مغزی و اختلال در بینایی بر اثر ضرب و شتم

اندیشه سبز: ماموران زندان اوین محمد نوری زاد نویسنده و کارگردان در بند را مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند که منجر به ضربه مغزی و اختلال در بینایی وی شد. در حال حاضر وی در اعتصاب کامل غذا بسر می برد و گفته است اگر وضعیت به همین صورت ادامه پیدا کند، او زنده نخواهد ماند.

نوری زاد پس از ضرب و شتم از سلول دو نفره اش در بند ۲۴۰ به دهمه ای بی نور و بدون جریان هوا و همچنین سرویس بهداشتی منتقل شده است. ضربه شدیدی که به سر او وارد آمده است توسط پزشک زندان ضربه مغزی تشخیص داده شده است. بر اثر این ضربه بینایی وی مختل شده است. نوری زاد بعد از این عمل غیر اخلاقی و غیر قانونی ماموران زندان اوین از سه روز پیش در اعتصاب کامل آب و غذا به سر می برد. وی به خانواده خود اعلام کرده اگر وضعیت به همین منوال باشد زنده نخواهد ماند. محمد نوری زاد سه نامه به رهبر و همچنین رئیس قوه قضائیه نوشته بود که آنها را در وبلاگش منتشر کرد. دادگاه در حکم بدوی برای این هنرمند ۳ سال و نیم حبس به علاوه ۵ ضربه شلاق تعیین کرده است

## پیکر پنج زندانی اعدام شده تحویل داده نمی شود و محل دفن ایشان ده روز دیگر اعلام می شود.

خانواده های اعدام شدگان نوزده اردی بهشت که برای تحویل پیکر عزیزانشان، در تهران به سر می بردند روز گذشته در حالی به شهرهای خود بازگشتند که دستگاه امنیتی از تحویل پیکر این 5 تن خودداری کرده و به آن ها گفته است محل دفن اعدامیان را ده روز بعد به آن ها اطلاع می دهد.

خبرگزاری هرانا - خانواده های اعدام شدگان نوزده اردی بهشت که برای تحویل پیکر عزیزانشان، در تهران به سر می بردند روز گذشته در حالی به شهرهای خود بازگشتند که دستگاه امنیتی از تحویل پیکر این 5 تن خودداری کرده و به آن ها گفته است محل دفن اعدامیان را ده روز بعد به آن ها اطلاع می دهد.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، دستگاه امنیتی در حالی از تحویل پیکر فرزاد کمانگر، شیرین علم هونی، مهدی اسلامی، علی حیدریان و فرهاد وکیلی خود داری کرده که خانواده ی ایشان طی روزهای اخیر با اقداماتی محافظه کارانه سعی بر حفظ آرامش داشتند تا مسئولان پیکر عزیزانشان را بنا بر وعده ها تحویل دهند.

دستگاه امنیتی پیش تر شرط تحویل اجساد 5 زندانی سیاسی اعدام شده را تضمین آرامش، خصوصاً در کردستان، اعلام کرده بودند.

البته دستگاه امنیتی نه تنها از تحویل پیکرها خودداری می کند بلکه طی روزهای گذشته با بازداشت و احضار اعضای خانواده ها آنها را تهدید کرده اند که حق برگزاری هیچ گونه مراسم ختم و شرکت در تجمع اعتراض آمیز امروز کردستان را ندارند.

بر همین اساس صبح روز سه شنبه 21 اردی بهشت ماه، مادر و خواهر شیرین علم هولی بازداشت شده و اندکی بعد با قید وثیقه آزاد شدند. روز گذشته برای بازداشت تمام خانواده ی کمانگر نیز تلاش هایی از سوی نیروهای امنیتی در مقابل زندان اوین صورت گرفته و ایشان پس از بازگشت به کامیاران در حبس خانگی به سنجند به سر می برند. هم چنین برادر علی حیدریان نیز از سوی اداره اطلاعات سنجند احضار و تهدید شده که او و سایر اعضای خانواده اش حق حضور در هرگونه تجمعی را ندارند.

### توجه: آخرین خبر ه حاکی از این است که پیکر اعدام شدگان

در بخش کافران بهشت زهرا به خاک سپرده شده اند. بقیه در صفحه 1

## وضع بحرانی بندهای زنان زندان اوین شیوع

### بیماری در میان زنان زندانی

گزارش های خبرنگار کلمه حاکی است که برخی از زندانیان سیاسی زن در تماس با خانواده های خود گفته اند که در همه بندهای زنان بویژه اندرزگاه چهار وضعیت بهداشت بسیار نامناسب است و حتی بیماری هایی از قبیل شیش و عفونت های زنانگی و همچنین گلو درد های چرکین رواج پیدا کرده است. بسیاری از این بیماری ها در برخی از زنان به قدری مزمن شده است که به آنتی بیوتیک ها نیز مقاومت پیدا کرده اند. چند روزی است که آب گرم نیز برای حمام کردن وجود ندارد و همه زندانیان زن با آب سرد حمام می کنند.

به گفته زنان زندانی مسائیل زندان نسبت به مداوای این بیماران اقدام نمی کنند و اعتراض های پی در پی زندانیان زن نیز تاکنون اثری نداشته است. زندانیان زن همچنین از نظر مواد غذایی نیز دچار مضیقه شدید هستند و فروشگاه زندان برای ارائه مواد غذایی به آنان محدودیتهای زیادی دارد. در حالی که غذای زندان ناکافی و بدون کیفیت است، دست کم به آنان این اجازه داده نمی شود که مواد غذایی مورد نیاز خود را با پول شخصی خود از فروشگاه زندان خریداری کنند. فروشگاه زندان نیز معمولاً خالی از مواد مورد نیاز زندانیان است.

زندان زن به خاطر تغذیه نامناسب، دچار نقص سیستم ایمنی شده اند و به همین دلیل مرتب بیمار می شوند.

بر اساس گزارش های دریافتی از داخل اوین، چند شب پیش یک زندانی زن در قرنطینه اوین به علت ترکیبگی آپاندیس درگذشت که علت آن عدم رسیدگی ماموران به وی و نرساندنش به بهداری اوین گزارش شده است. از ساعت ۱۰ شب تا ۷ صبح که در های سلول ها و بندها بسته می شود، ماموران هیچ کنترلی بر وضعیت زندانیان ندارند و اگر دچار بیماری و یا مشکلی بشوند، ماموران نظارتی بر آنها ندارند و در چنین ساعت هایی کسی قادر به رساندن کمک های پزشکی به زندانیان نیست.

تعداد زیادی از زندانیان سیاسی زن بویژه زندانیان حوادث پس از انتخابات در بندهای عمومی اوین نگه داری می شود و اوضاع نامناسب بهداشتی در هفته های اخیر به نگرانی این خانواده های زندانیان سیاسی افزوده است.

## خلیل بهرامیان، وکیل فرزاد کمانگر دستگیر شد

سکولاریسم نو: طبق خبری که هم اکنون (5 بعد از ظهر چهارشنبه بوقت نیویورک) به دست ما رسید، حکومت اسلامی آقای خلیل بهرامیان، وکیل فرزاد کمانگر را دستگیر کرده و به جای نامعلومی منتقل نموده است. بهرامیان از وکلای قدیمی و شرافتمند ایران است که از سال 1347 به کار وکالت مشغول بوده و افشاگری های او در مورد چگونگی محاکمه، محکومیت و اعدام جوانان کرد ایران موجب آن شده است که جهانیان از مظلومیت این جوانان بیشتر مطلع شوند. 30 اردیبهشت 1389

## در محکومیت اعدام های نوزده اردیبهشت ۱۳۸۹

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران در رابطه با اعدام پنج نفر از هم میهنان عزیز از جمله شهید فرزاد کمانگر معلم کردستانی

انسانهای آزاده و ملت بزرگ و صاحب فرهنگ ایران خبر اعدام 5 نفر از عزیزترین فرزندان این آب و خاک در سحرگاه ۱۹ اردیبهشت روح و روان همه انسانهای آزاده و وجدانهای بیدار را در سراسر جهان به درد آورد و در این میان دل ملت ایران و معلمان این مرزوبوم را بیشتر اندوهگین ساخت و این نگرانی را پدید آورده که اعدام این عزیزان توسط صاحبان زر و زور سرآغاز فصل جدیدی از اعدام گسترده آزادی خواهان و فعالین سیاسی و مدنی در کشور باشد.

ملت عزیز ایران و انسان های آزاده و معلمان عزیز ، کانون صنفی معلمان ایران در حالی تأسف و تأثر شدید خود را از این اقدام ضد انسانی و ضد میهنی اعلام می دارد ، که چهار نفر از این عزیزان از هم میهنان کرد مابودند که در این میان همکار و معلم آزاده و دلسوز روستاهای کردستان آقای فرزاد کمانگر یکی از این پنج نفر بود که خبر اعدام وی توسط شب بیستان به همراه چهار نفر دیگر از هموطنانمان به صورت دسته جمعی و در نهایت بی خبری و بدون اجرای حداقل تشریفات قانونی و با وجود اشکالات و ابهامات فراوان در پرونده این عزیزان و نحوه ی دادرسی پرونده های آنها که بدون حضور وکلای تعیینی آنها در جریان تشکیل دادگاههای فرمایشی و اعمال شکنجه های فراوان روحی و جسمی این عزیزان در زمان بازداشت همراه بوده ، دل هر انسان با شرف و با وجدانی را از هر قوم ، ملیت ، مذهب و زبانی به درد می آورد.

هم میهنان عزیز، اعدام این هموطنان آن هم در آستانه ۲۲ خرداد سالروز کودتای انتخاباتی از طرف حاکمیت زر و زور و جهل و در این میان اعدام ۴ هموطن کرد تداعی کننده اعدام های گسترده دهه ۶۰ می باشد که در آن زمان هم چرخه ی اعدام های گسترده و ضد میهنی ابتدا از مناطق کرد نشین شروع شد و بعدها و با سکوت جامعه و نهادهای مدنی و احزاب وقت به دیگر مناطق کشورمان سرایت کرد و تاکنون نیز ادامه داشته و قطعاً با سکوت مردم و نهادهای سیاسی و مدنی و دانشگاهی و دانشجویان این روند در آینده و در مناطق بیشتری از کشور و با شدت بیشتری ادامه خواهد یافت.

ملت عزیز و بزرگوار ایران کانون صنفی معلمان ایران که در حال حاضر ده ها نفر از اعضای آن یا در زندان ها و سیاه چال های قرون وسطایی هستند و یا در مناطق مختلف کشور در تبعید می باشند ضمن ابراز تأسف شدید خود از این اقدام بی شرمانه و وقیحانه ی صاحبان قدرت ، این رفتار ضد انسانی و ضد میهنی آنها را به شدت محکوم می کند.

هم وطنان عزیز کانون صنفی م علمان ایران به نمایندگی از طرف همه معلمان کشور از یک طرف شهادت معلم آزاده و دلاور نستوه برادر عزیزمان شهید فرزاد کمانگر عضو این کانون را خسرو بزرگ برای آموزش و پرورش کشور می داند و از طرف دیگر وی را مایه افتخار و مباهات همه ملت ایران خصوصاً معلمان این آب و خ اک می داند و بر این باور است که درسی که شهید فرزاد کمانگر به همه مردم ایران خصوصاً دانشجویان، معلمان و دانش آموزان این آب و خاک داده است در تاریخ ماندگار خواهد شد و شهید فرزاد که تا آخرین لحظه و در طول ۴ سال تحمل شدیدترین شکنجه های شکنجه گران در بیدارگاههای دیزل آباد کرمانشاه ، گورهدشت کرج و اوین تهران استقامت و رزید و جلادان شمر گونه را در حسرت یک آه باقی گذاشت و حتی حاضر نشد که از رهبر جمهوری اسلامی درخواست عفو و بخشش کند ، چرا که معتقد بود گناهی را مرتکب نشده است ، پس دلیلی ندارد که درخواست عفو بدهد و بر این باور بود که این مسئولین حکومت هستند که باید به خاطر اعمال شکنجه های فراوان روحی، روانی و جسمی اش در مدت بازداشت باید از وی طلب بخشش کنند. همکاران عزیز بدون شک این وظیفه تک تک شما عزیزان است که در شرایط فعلی، که کشور مان با بحران های فراوان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روبروست با الهام گرفتن از اندیشه ی همه انسان های راه اندیشه و قلم از جمله شهید فرزاد در جهت تنویر و آگاه سازی افکار عمومی برای نجات کشوریش از گذشته تلاش نمایند و در این رابطه از هیچ تلاشی دریغ نورزید . امید است که خون شهید فرزاد و همه شهیدان راه دفاع از حیثیت و کیان ایران زمین همانند چراغی فروزان ما را در رساندن به قله های آزادی و افتخار ایران و ایرانی رهنمون سازد. کانون صنفی معلمان ایران ضمن تسلیت مجدد به همه ملت ایران و خانواده های هر ۵ شهید روز ۱۹ اردیبهشت، خصوصاً معلم آزاد اندیش و اهل قلم

شهید فرزاد کمانگر، خود را از صمیم قلب در غم و اندوه آنها شریک می داند و از ایزد منان برای این شهیدان راه سربلندی ایران علو درجات را مسئلت می نماید و امیدوار است که همه گروه های سیاسی و تشکل های مدنی و اجتماعی با همبستگی و همدلی و به دور از خود خواهی و غرور در راه نجات میهن عزیزمان از هیچ تلاشی دریغ نورزند.

کانون صنفی معلمان ایران در پایان ضمن هشدار به صاحبان قدرت از حاکمیت مصرانه می خواهد که نسبت به آزادی همه زندانیان سیاسی، مدنی و صنفی (دانشجویان، روزنامه نگاران، کارگران) ، خصوصاً معلمان دربند از جمله آقایان عبدالرضاقبری (که به اعدام محکوم شده است) ، سید هاشم خواستار، رسول بدایقی، عبدالله مؤمنی، محمود بهشتی لنگرودی، علی اکبر باغانی، محمد داوری، علیرضا هاشمی، حسین باستانی نژاد و قربان احمدی اقدام نماید و بیش از این کشور را به ورطه ی نابودی نگشاند، چرا که ادامه بازداشت معلمان در بند و برخوردهای امنیتی با معلمان می تواند عواقب پیش بینی نشده ای را به دنبال داشته باشد و فضایی را در کشور ایجاد کند که دیگر هیچ کس و قدرتی توان کنترل آن را نداشته باشد و در این رابطه کانون معلمان ایران به حاکمان زر و زور و جهالت هشدار می دهد که این کانون مسئولان نابخرد را مسئول عواقب پیش بینی نشده اتفاقات آینده کشور و اعتراضات معلمان می داند و باید خود آنها در برابر ملت بزرگ ایران پاسخگو باشند. کانون صنفی معلمان ایران ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۹

## رضا خندان

عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران  
همچنان در بازداشت به سر می برد

رضا خندان، نویسنده و پژوهشگر و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران و یکی از یاران و همکاران کوشای علی اشرف درویشیان در رابطه با گردآوری فرهنگ مردم ایران، نزدیک به چهار ماه است که به خاطر نوشتن و کوشش در امر فرهنگ و ادبیات و دفاع از «کودکان کار و خیابان» در زندان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به سر می برد. دستگیری رضا خندان، نمونه دیگری است از سرکوب خشن ادبیات، هنر، فرهنگ و کوشش های انسانی و اجتماعی در جامعه ما. نفس نوشتن از سوی کسانی که در راستای سیاست های ارتجاعی و جنایتکارانه جمهوری اسلامی حرکت نمی کنند، خود به خود جرم است و نویسندگانی که دارای برد اجتماعی و اثر گذاری در زمینه فرهنگی و اجتماعی هستند، باید منتظر روزی باشند که دستگیر شوند و زیر شکنجه و محدودیت آزادی قرار بگیرند . از همین رو ست که رژیم جمهوری اسلامی حتی در نمایشگاه کتاب خود ساخته اش در پی آن است تا با حذف دگر اندیشان و فشار بر نویسندگان آزاده، جامعه را از حضور آنان محروم کند و سدی در برابر فرهنگ ورزی و گسترش آزاد اندیشه و بیان به وجود آورد. اما تاریخ زندگی بشری چنین سیاست و کرداری را محکوم به شکست کرده است.

بیانیه کانون نویسندگان در ایران در رابطه با دستگیری رضا خندان حاکی از آن است که: «رضا خندان جز فعالیتی در نهادی غیردولتی برای دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان، و عضویت در کانون نویسندگان ایران گناهی ندارد. کانون نویسندگان ایران، با نگرانی از شرایط جسمی رضا خندان در زندان، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط او است.»

کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید، بازداشت رضا خندان را به شدت محکوم می کنند و خواهان آزادی فوری او هستند.

جمهوری اسلامی، این رژیم فاسد، از زندانی کردن و زیر شکنج ه بردن و مورد تجاوز قرار دادن و اعدام انسان های آزادی خواه و فرهنگ ورز و همه کسانی که از حقوق انسانی خود برای یک زندگی بهتر و بدون فشار و سرکوب و بهره کشی و سانسور و خفقان دفاع می کنند، سودی نخواهد برد و سرانجامی جز فروافتادن در ژرفای نکبت و سیاه روزی نخواهد داشت.

کانون نویسندگان ایران در تبعید انجمن قلم ایران در تبعید  
بیست و پنجم اردیبهشت 1389

## شرح چگونگی اجرای حکم اعدام پنج زندانی سیاسی

خبرگزاری هرانا: مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، حسب وظیفه و رسالت خود در حوزه ی اطلاع رسانی نقض حقوق بشر و حسب خواست تعدادی از خانواده های جان باختگان، تحقیقات میدانی خود را که از مجموع زندانیان و شاهدان در خصوص چگونگی اجرای حکم اعدام ۵ زندانی سیاسی و به قصد ارسال به سازمان های مدافع حقوق بشر جمع آوری شده است منتشر می کند. امید است این گزارش که فارغ از محدودیتهای بسیار امنیتی و ارتباطی سعی شده فارغ از مسائلی عقیدتی کمترین رویدادها نیز در آن حذف نشود؛ به تنویر افکار عمومی کمک نماید.

در اولین قدم از اجرای این احکام، زندانی سیاسی، مهدی اسلامیان در ساعت ۱۰ صبح روز ۱۸ اردی بهشت ماه تحت عنوان نقض حکم و لزوم حضور در بخش اجرای احکام زندان رجایی شهر کرج از بند ۱ محل استقرار خود خارج و سپس به یگان حفاظت انتقال آماده برای اعزام ایشان به زندان اوین، تحویل داده شد.

نامبرده حوالی ظهر بدون طی قرنطینه، در حالی که برای چندمین بار درخواست تلفن به خانواده خود را داشت، مستقیماً به یکی از سلول های انفرادی بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شد.

ساعت شش و نیم عصر همان تاریخ ابتدا علی حیدریان از هواخوری سالن ۶ و سپس فرزاد کمانگر تحت عنوان احضار به بند ۲۰۹ در حالی که تلفن های زندان اوین از ساعت چهار عصر قطع شده بود از کتابخانه اندرگاه ۷ این زندان به بند ۲۴۰ منتقل شدند.

فرهاد و کیلی نیز از بند ۲۵۰ زندان اوین تحت عنوان احضار به بند امنیتی ۲۰۹ در عصر همان روز خارج و به سلول های انفرادی بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شد.

هم چنین شیرین علم هولی، دیگر زندانی سیاسی ی این زندان نیز غروب همان روز از بند ۳ نسوان تحت عنوان سوال و نقض پرونده و نهایتاً احضار به بند ۲۰۹ خارج و به بند ۲۴۰ این زندان منتقل شد.

به گواه شاهدان پس از جمع شدن زندانیان سیاسی مذکور در بند ۲۴۰ و در زمانی که تقریباً محرز شده بود که اجرای حکم اعدام این زندانیان مندرج است، از حدود ساعت یازده شب در موارد متعددی صدای بلند آواز خواندن ۵ زندانی مورد اشاره به گوش سایر زندانیان این بند می رسید.

شاهدان عنوان می نمایند تا ساعت ۴ صبح حداقل دو بار افرادی با هویت های نامعلوم در معیت نماینده دادستان به سلول ه ای زندانیان سیاسی مراجعه کردند که در مواردی دوربین فیلمبرداری همراه آن ها مشاهده شده است اما از شرح مواقع و دیالوگ های صورت گرفته کماکان اطلاعی در دست نیست.

حدود ساعت چهار صبح روز ۱۹ اردی بهشت ماه، حداقل ۲۵ تا ۳۰ مامور با فرممانده ی فردی به نام "کورگل" بوی انتقال زندانیان به پای چوبه های دار در بند ۲۴۰ این زندان حاضر شدند.

در این هنگام فرزاد کمانگر به عنوان یکی از ۵ زندانی سیاسی در آستانه ی اعدام، که تعدادی شکلات به همراه خود داشت، به سرایان حاضر شکلات تعارف می کند که با برخورد توهین آمیز فردی به نام "انارکی" از مسولان تیم حاضر روبه رو می شود و سرانجام پس از بحث و جدل با دخالت تعداد دیگری از مسولان حاضر اجازه توزیع شکلات ها را بین چهار زندانی سیاسی دیگر می یابد.

سرانجام زندانیان پس از دستبند و پابند شدن به سمت محوطه اصلی زندان اوین مابین درهای اول و دوم منتقل می شوند. این در حالی بود که فرهاد و کیلی و فرزاد کمانگر هر دو از مشکل جسمی حاصله از شکنجه های سابق در زمان راه رفتن در رنج بودند.

در محدوده محوطه اصلی جنب پارکینگ موتورسی این زندان، محل اعدام پیش تر آماده شده بود؛ و زندانیان بدون مقدمه بر روی نیمکت های حاضر برده شدند. دقایقی پیش از اجرای حکم در حالیکه دو دوربین فیلمبرداری از جزییات اجرای حکم تصویربرداری می کردند، تعدادی از زندانیان خواستار باز کردن دستبند یا پابند خود و اجازه انداختن طناب به گردن خود به عنوان آخرین خواسته شدند که با توهین م سولان حاضر اقدام به شعار دادن و پاسخگویی نموده و هم چنین به سرود خوانی جمعی پرداختند. (با توجه به عدم اطلاع شهود از زبان کردی، تاکنون تنها مشخص شده است، یکی از سرودهای سر داده شده سرودی است کردی به نام ای رفیق یا احتمالاً ای رفیق)

در حالیکه زندانیان حاضر به سکوت نبودند، قبل از ساعت ۵ صبح روز ۱۹ اردی بهشت ماه ۱۳۸۹ حکم اعدام ۵ زندانی سیاسی بدون طی کمترین روال قانونی و انسانی در محوطه زندان اوین به اجرا درآمد.

پس از اجرای حکم و پایین آوردن پیکرها و معاينه پزشکی توسط فردی به نام "شاه ویسی"، اجساد به محل نامعلومی منتقل شده و تاکنون نیز دستگاه قضایی-امنیتی از تحویل دادن پیکرها به خانواده ها بر خلاف حداقل موازین حقوقی و انسانی خودداری نموده است.

## موضوع مورد بحث اجلاس ستاد کنترل بحران فاش شد

گزارش های موقتی از سنجح حاکی از آن است یک تیم ۱۷ نفره از نیروهای ارشد وزارت اطلاعات و وزارت کشور رژیم اعدام که صبح روز پنجشنبه از طریق یک پرواز اختصاصی جهت شرکت در اجلاس ستاد کنترل بحران وارد سنجح شده بودند صبح روز شنبه، پس از ساعت ها ایزنی، سنجح را به مقصد تهران ترک کردند. یک منبع معتمد در استانداری کر دستان فاش کرد موفقیت کم نظیر اعصاب سراسری مردم کردستان چنان رژیم را شوکه کرده است که شنیدا به دنبال راه گزیری توده بسند در این وضعیت انفعالی است. به گفته ی این منبع حاضر در اجلاس، فضای حاکم بر اجلاس کاملاً چند قطبی بوده است به گونه ای که یک گروه به طور کام ل در طیف مخالفان اعدام قرار داشتند؛ گروه دیگر که عمدتاً ماموران قوه ی قضاییه و کارشناسان ارشد افرای وزارت اطلاعات بودند قویاً از سیاست سرکوب نظام حمایت می کردند و دیگر گروه که مدرسان حوزه ی مدیریت استراتژیک به شمار می آمدند تبعات اعدام از سوی رژیم و مقابله به مثل مردم کردستان را یکمیک به یک جنبش سراسری تبدیل شده است بسیار خطرناک ارزیابی می کردند.

یکی از مدیران استراتژیک که در امور مناطق کردتشن فعالیت دارد ضمن انتقاد شدید از قوه ی قضائیه گفته بود معلوم نیست آقایان این قوه چه اصراری بر اجرای احکام اعدام دارند. هنوز آثار ویرانگر ناشی از اعدام این ۵ نفر را پشت سر گذاشته ایم که خبر اعدام یکی دیگر از زندانیان سیاسی محکوم به اعدام به نام حبیب لطیفی برای تاریخ

1389/3/17 به دادگستری سنجح ابلاغ شده است. یکی دیگر از این کارشناسان حوزه ی امنیت ملی با اشاره به ناتوانی جمهوری اسلامی در برخورد با اینگونه مقاومت های سراسری و تأثیر آن بر جایگاه ملی گفته بود 3 دهه صرف برنامه ریزی برای نابودی احزاب مخالف نمودیم اما امروز کومه و دمکرات از هر زمان دیگری نیرومندتر شده و به چنان جایگاهی رسیده اند که به عنوان آلترناتیوهای آینده پس از جمهوری اسلامی با آنها رفتار می شود. دیگر شرکت کننده ی حاضر در اجلاس که موضع نرم تری داشته گفته بود تنها امید ما آن است که این اعصاب پیامدهای دیگری نداشته باشد اگر چه بر این باورم که مردم کردستان اکنون به مرحله ی از خودباوری رسیده اند که دیگر نمی توان با لنت های ناشی از این شور قومی مبارزه کرد. بدبختانه اکنون سرانه فتنه نیز به جمع محکوم کنندگان اعدام پیوسته اند.

با این اوصاف، سازمان ضد اعدام کردستان از تمامی احزاب سیاسی کردستان، سازمان ها و نهاد های مدافع حقوق بشر، تمامی انسان های آزادیخواه و به ویژه مردم کردستان تقاضا دارد از پای نشینیم و تا لغو کلی حکم اعدام به اعتراضات خویش ادامه دهیم. بدون شک، سکوت ما جوانان بیشتری را به جوخه های مرگ می سیارد.

پایگاه اطلاع رسانی سازمان ضد اعدام کردستان (RDEK)  
[www.RdeKurdistan.blogspot.com](http://www.RdeKurdistan.blogspot.com)

## وضعیت جسمی نگران کننده محمود صالحی

### در بیمارستان

وبلاگ خبری راه کارگر: با نهایت تأسف و بلاگ خبری راه کارگر از طریق فعالین کارگری مطلع گردید که محمود صالحی به دلیل بیماری و مشکلات جسمی در حال حاضر در تهران در بیمارستان بسر می برد. لازم به ذکر است اخیراً مامورین حکومتی برای دستگیری محمود صالحی، به خانه اش رفته و منزل ایشان را تحت محاصره کامل قرار داده بودند. محمود صالحی بشدت از بیماری کلهوی در رنج است.

همچنین محمد عیدپور از اعضای کمیته هماهنگی در سفر، همچنان در زندان تحت بازداشت است. صی 2010, 17

## جان جعفر پناهی در خطر است!

### بیانیه شماری از هنرمندان، روزنامه نگاران و فعالان ایرانی

جعفر پناه ی، فیلمساز برجسته ایرانی که هفته هاست در بازداشت در سر می برد، از روز یکشنبه ۲۶ اردیبهشت در اعتراض به وضعیت خود دست به اعتصاب غذا زده است؛ وضعیتی که در توصیفش نوشته است: "صبح روز یکشنبه مرا به بازجویی بردند و متهم کردند که از داخل سلول فیلمبرداری کرده ام؛ که کذب محض است. و بعد تهدید کردند که تمامی اعضای خانواده ام را دستگیر و به اوین منتقل خواهند کرد و دخترم را به بازداشتگاهی نامن در رجائی شهر خواهند فرستاد و با این حرف ها قدرت تجزیه و تحلیل را از من سلب کردند"

اعتصاب غذای پناهی خشک است و خطرناک و خواسته هایش بسیار ساده و به حق: ۱. تماس و دیدار با خانواده و اطمینان کامل از سلامت آنها.

۲. حق داشتن وکیل بعد از ۷۷روز و مشورت با او.

۳. آزادی بدون قید و شرط تا تشکیل دادگاه و صدور حکم قطعی

ما به عنوان شماری از هنرمندان، روزنامه نگاران و فعالان ایرانی، ضمن ابراز همدلی با جعفر پناهی و ابراز نگرانی شدید در مورد سلامتی وی، بدینوسیله اعلام می کنیم که دستگاه های قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی مسئول به خطر افتادن جان جعفر پناهی و هر اتفاق ناگوار دیگری هستند که در زندان برای این هنرمند سرشناس پیش بیاید.

از این رو از یک سو از مسولان جمهوری اسلامی می خواهیم سریعاً و بدون هیچ قید و شرطی جعفر پناهی را که از مفاخر هنری کشورمان است، آزاد کنند و از سوی دیگر، خطاب مان به جعفر پناهی است که جان عزیز هنرمند را این چنان به خطر نیفتند؛ اعتصاب خویش را بشکنند و به یاد داشته باشند که ایران و هنر ایران زمین بیش از اینها به وی نیاز دارد.

## رافت اسلامی یا تجاوز به کرامت انسانی

مردمک: نیما امینی : سه مادر آمریکایی در کنار سه فرزند خود در مقابل یک دیوار آینه ای از یک سو و دوربین های خبرنگاران از سوی دیگر یکدیگر را در آغوش می‌کشند.

در مقابلشان سیب، موز، آب میوه، آب معدنی، زیر سیگاری، دسته گل و البته تعدادی هم میکروفن قرار داده شده است.

مادران آمریکایی که کاملاً سیاه پوش و با «حجاب کامل اسلامی» وارد تهران شده بودند، لباس های سیاه خود را با مانتو و روسری ر ایچ ایرانی عوض کرده‌اند.

یک کوهنورد زن و یک کوهنورد مرد که به اصطلاح با هم «نامزد» بوده‌اند در کنار هم نشسته اند و گاهی هم یکدیگر را در مقابل دوربین در آغوش می‌گیرند.

صحنه‌هایی از این دست در تاریخ سی ساله جمهوری اسلامی فراوان یافت می‌شود. گاهی خارجی‌ها با لباس آراسته همراه با میوه و شیرینی مقابل دوربین قرار می‌گیرند و گاهی هم داخلی‌ها.

اولین صحنه از این دست به سی سال پیش باز می‌گردد وقتی گروگان‌های آمریکایی سفارت آمریکا مقابل دوربین آورده شدند تا کریسمس را جشن بگیرند. به آنها میوه و شیرینی تعارف شد و گروگ ان‌ها در مقابل چشم دوربین‌ها خوشحال بودند.

دیدار مادران سه آمریکایی زندانی با فرزند دانشان در تهران (گزارش تصویری) آخرین نمونه چنین نمایشی هم آزاد کردن ملوانان انگلیسی بود. به ملوانان کت و شلوار دادند به کاخ ریاست جمهوری برده شدند و رییس‌جمهور با تک تک آنها دست داد و به هر کدام سوغاتی تقدیم شد.

نمایش‌هایی از این دست اما محدود به ایران نمی‌شود، گرچه شاید در هیچ‌کجای دنیا به اندازه ایران شیوع نداشته باشد. رهبر کره شمالی هم به نمایش‌های تلویزیونی با استفاده از زندانیان سیاسی علاقه‌مند هست.

گرچه کیم جونگ ایل، بیشتر دنبال این هست که خود جلوی دوربین برود تا زندانیانش. سال قبل وقتی دو خبرنگار آمریکایی در کره شمالی در حبس بودند و دادگاه آنها را به چند سال زندان با کار اجباری محکوم کرده بود، آقای جونگ ایل آزادی آنها را مشروط کرد به اینکه بیل کلینتون، رییس‌جمهور سابق آمریکا، به کره شمالی سفر کند و با آقای جونگ ایل در مقابل دوربین‌های عکاسی شام بخورد.

به فاصله چند ساعت از ضیافت شام، زندانی های آمریکایی آزاد شده و با بیل کلینتون به آمریکا باز گشتند.

از ظرافت های دیپلماسی فعلی جمهوری اسلامی، به گفته رییس جمهور «دیپلماسی عمومی» است. یعنی حرکت های سیاسی و دیپلماتیک باید در مقابل دوربین‌ها و افکار عمومی انجام شود تا افکار عمومی به واکنش های سیاسی شکل و جهت دهند.

از «رافت اسلامی» که در مقابل دوربین‌ها با زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی می‌شود، این نتیجه بدست می‌آید که جمه وری اسلامی یا حداقل دستگاه تبلیغاتی دولت احمدی نژاد تصور می‌کند که افکار عمومی به زندان انداختن مخالفان سیاسی و شهروندان خارجی را با دیده تردید نگاه می‌کند. جمهوری اسلامی می‌داند که در افکار عمومی، زندان های سیاسی ایران و وضعیت زندانی‌های سیاسی مطلوب نیست. به همین خاطر لازم است هر از گاهی، این زندانیان را مقابل دوربین بیاورد و به آنها «رافت اسلامی» نشان دهد.

به همین خاطر است که لازم می‌داند عکس های عبدالملک ریگی را در زندان در حالی که در اتاقی با شرایط خوب زندگی می‌کند و در حال مطالعه هست منتشر کند، یا از هاله اسفندیاری در سوئیتی که برای او در زندان آماده کرده، اعتراف تلویزیونی بگیرد.

اما گاهی این روش نه تنها مضحک که بسیار آزاردهنده است. این بار از این موارد بود. نگاه کردن به چهره مادران آمریکایی و زندانیان دریند که بعد از نزدیک به یک سال یکدیگر را برای اولین بار می‌دیدند، در مقابل چشم دوربین‌ها بسیار آزاردهنده بود.

تصور کنید، مادرانی و زندانیانی ماه‌ها از هم بی‌خبر بوده‌اند، اما حالا که همدیگر را می‌بینند و طبیعتاً بسیار دل‌تنگ هستند، باید احساسات خود را در مقابل دیگران نشان دهند. به عقیده من این یک تجا و ز مسلم به کرامت انسانی این افراد است. عمل ظالمانه ایست که فقط از دستگاه «دیپلماسی عمومی» دولت احمدی‌نژاد بر می‌آید.

نگاه کردن به این عکس‌ها آزاردهنده است، اما پیشنهاد می‌کنم، این عکس‌ها را ببینید تا بیشتر و بیشتر با «رافت اسلامی» دستگاه «دیپلماسی عمومی» آشنا شوید. 30 اردیبهشت 1389

## "برای شیرین علم هولی"



کوچ به قلب تاریخ

بعد از تحمل هفته ای

ز کوه رنج

بر (انسان)

که از فراق تو و هم سفرانت

بر او رفت

فرصتی نیز شد

همراه تو و

با سفیر شرافتمانه هایت

اندکی بی تو

(او)

در دلهیزهای دعوی دین

شاهد غایت غارت شرف. اصالت زن شود

وبیند آنروز:

این بندی

در جدالی دست و دهان بسته

این شیر زن مظلوم کرد

چه سان

کمر نامردان زن ستیز را شکست

و آبرو را

به قیمت مرگ خویش

به بار نشاند!

خون رنج نامه هایت

در دل انسان

چونان شکفت

که

انسان دانست:

این قاریان قرآن. بی بنیان ومهر

حضور. خالی وجدانشان

چه در آن و این زندان

ویا در هر سوی جهان

دیربست پیچیده

بوی گند شان، همه جا

سرکشیده و رفته،

إتا به آسمان

+++

شیرین، فرشته ی زمین

دریای پاک ات هم

ای معصوم

گستره ی فیصتی نشد

بر زدودن. ناپاکی عمیق شان!

اینک انسان زخمی

در غرور فرو گشته

زهیت ات

و آرام درصداست

کوچ ات به قلب تاریخ

نازنین مبارک باد!

## جوابیه زندانی سیاسی علی صارمی به اظهارات بی اساس جعفری دولت آبادی

از میان مردمان صادق گروهی در راستای وفای به عهد و پیمانان با خدا و مردمشان بشهادت رسیدند و گروهی دیگر در انتظارند (قرآن) و من از منتظرانم.  
هر حقی که پایمال گردد مقاومتی را ایجاد می کند که ظالمان مجبورند به دناقت روی بیاورند و سرکوب را پیشه کنند.  
هموطنان عزیز، دادستان تهران دولت آبادی در مصاحبه ای با مجله موسوم به پنجره که در کیهان مورخ 26/ 2/ 89 درج شده است، اتهام مرا ارتباط با سازمان مجاهدین خلق و تاریخ دستگیری مرا شهریور 88 اعلام کرده است یعنی بعد از قضایای انتخابات.  
در حالی که تاریخ دستگیری اینجانب علی صارمی 13 / 06 / 86 یعنی 2 سال قبل از انتخابات و رفتن من به شهر اشرف جهت دیدار با پسر من در سال 84 بوده و به خاطر آن دیدار چند روزه به 1 سال حبس محکوم شدم.

دستگیری من در سال 86 بخاطر حضورم در گورستان خاوران بر سر مزار اعدام شدگان سال 67 بود. ولی آیا واقعا حضور بر سر مزار و یا هواداری یک سازمان و یا دیدار پدرو با فرزندش از نظر شما محاربه و حکمش اعدام است؟  
به همین دلیل اظهارات دادستان تهران بی اساس تر از آن است که نیازی به توضیح داشته باشد و به قدری این اتهام بی اساس است که حاضر نیستند حتی حکم را به وکیل ابلاغ کنند. حکم را بدون امضای من و وکیل به تجدید نظر صوری و فرمایشی برده و تایید کرده اند.  
با این حال فریاد می زوم که آنها حتی با اعدام و حلق آویز کردن نمی توانند مرا و هموطنان آزاده ام را بترسانند چرا که آن قدر آنها را ترسانده ام که مجبورند اعدام کنند. چون تنها دلیل صدور چنین حکمی ترس آنها از وضعیت متزلزلشان است، نه انصاف و عدالت.  
حال به عنوان پدرو که فرزندانش امثال فرزند علی، فرهاد، شیرین و مهدی را تازه به دار آویخته اند و هزاران فرزند دیگر را پیشتر از این، از من چه انتظاری می رود جز آنچه به عنوان یک ایرانی موحد و آزاده فریاد بر آورم.

## تنها ۳ روز از اعدام جنایتکارانه ۵ زندانی سیاسی زندانی سیاسی ظاهر مصطفوی پس از تحمل ۱۸ سال زندان به طرز مشکوکی درگذشت

زندانی سیاسی ظاهر مصطفوی ۴۴ ساله از فرزندان آزادیخواه کردستان بود. او پس از تحمل ۱۸ سال شکنجه و زندان و تبعید از زندانی به زندان دیگر روز چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه بطرز مشکوکی جان خود را فدای راه آزادی مردم کردستان و ایران نمود.  
زنده یاد ظاهر مصطفوی ۴ سال پیش از زندان ارومیه به بند ۶ زندان گوهردشت کرج منتقل شد. او دچار ناراحتی بسیار حد جسمی بود. طوری که به سختی قادر به راه رفتن بود و از انجام کارهای شخصی اش عاجز بود. اما از درمان جدی وی خودداری کردند.  
پزشکان بهداری زندان گوهردشت کرج عدم تحمل حبس او را اعلام کرده بودند. کمیسیون پزشکی رای به عدم تحمل حبس وی داده بود....  
ام با وجودی وزارت اطلاعات از آزادی او خوداری کردند و بارها به او گفته بودند که تو باید زجر کش شوی.  
تا اینکه هفته گذشته از زندان به نقطه نامعلومی منتقل شد و به همبندیانش گفته شد که برای معالجه انتقال یافته است و روز چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه تنها ۳ روز از اعدام جنایتکارانه ۵ زندانی سیاسی نگذشته بود که زندانی سیاسی ظاهر مصطفوی پس از تحمل ۱۸ سال زندان و شکنجه و شرایط طاقت فرسا جاودانه شد. 29 اردیبهشت

## تحصن کارگران چینی البرز در اعتراض به انحلال کارخانه

آژانس ایران خبر: روز دوشنبه 89.2.27 بیش از 160 کارگر کارخانه چینی البرز قزوین در ادامه تجمعات روزهای گذشته مجدداً در این کارخانه تجمع کرده و متحصن شدند. این کارگران از ساعت 0700 به کارخانه آمده و کارت حضور زدند و برای پیگیری حقوق های معوقه و در اعتراض به حکم انحلال این شرکت، تحصن کردند. 29 اردیبهشت 1389

## سمفونی «ندا آقا سلطان» با اجرای نادر مشایخی

کلمه: نادر مشایخی از آهنگسازان و هنرمندان شناخته شده و کم حاشیه موسیقی ایران که پیش از این سابقه رهبری ارکستر سمفونیک تهران را برعهده داشته، ابرایی با عنوان " ندا " را در آلمان به روی صحنه می برد.  
سایت جهان گزارش داد؛ مشایخی گفته است که این اپرا بر اساس داستانی از "نظامی" تنظیم شده و تیتراژ آن باید یاد آور ندا آقا سلطان باشد که در جریان تظاهرات اعتراضی پس از انتخابات ریاست جمهوری، کشته شد.  
نادر مشایخی موسیقی دان و رهبر ارکستر و فرزند جمشید مشایخی از بازیگران قدیمی و متعدد تئاتر و سینمای کشور است. وی در تابستان ۱۳۸۴، با حکم ارشاد رهبر ارکستر سمفونیک تهران شد.  
وی که توسط انجمن موسیقی ایران به رهبری این ارکستر انتخاب شده بود در سال ۱۳۸۶ برکنار شد و به ساماندهی ارکستر مجلسی پرداخت. 29 اردیبهشت 1389

## آمار خودکشی به دلیل بیکاری افزایش یافته است

ایلنا: داریوش قنبری نماینده ایلام در جلسه علنی امروز با استناد به اصل ۲۸ قانون اساسی در خطراتی اظهار داشت: براساس این اصل دولت موظف است امکان اشتغال را برای همه افراد فراهم کند. .... و متأسفانه دولت هیچ ترتیب اثری نشان نمی دهد.  
قنبری خاطر نشان کرد: به نظر می رسد دولت بحث اشتغال را فراموش کرده و هیچ برنامه ای برای آن ندارد.  
این عضو کمیسیون اجتماعی گفت: متأسفانه در این روزها شاهد ناهنجاری های بسیاری از جمله گسترش خودکشی هستیم و در ایلام ۱۱ مورد خودکشی به دلیل بیکاری صورت گرفته است. 29 اردیبهشت 1389

تتم گر بسوزی

به تیر آن بدوزی

کجا

کی توانی

ز قلم ربایی

تو عشق میان من و میهن من

اگر در طول حیاتم و حتی 23 سال زندان بودم، نتوانستم وظیفه ام را در قبال خدا، مردم و میهنم انجام دهم شاید اعدام در بیداری مردم موثر باشد.

خطاب به مردم و میهنم، باز هم فریاد می زوم

در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما

پاینده باد خاک ایران ما

والسلام

زندانی سیاسی علی صارمی اردیبهشت 1389

## خودکشی ۱۱ نفر

### در ایلام به دلیل بیکاری

رهانا: نماینده ایلام در مجلس از ثبت حداقل ۱۱ مورد خودکشی به دلیل بیکاری پیده برداشت.

به گزارش ایلنا، داریوش قنبری نماینده ایلام در جلسه علنی امروز با استناد به اصل ۲۸ قانون اساسی در خطراتی اظهار داشت: دولت موظف است امکان اشتغال را برای همه افراد فراهم کند. اما متأسفانه موضوع بیکاری به حدی رسیده است که اکثر نمایندگان در نطق های میان دستور از بیکاری گلّه دارند و متأسفانه دولت هیچ ترتیب اثری نشان نمی دهد.  
این عضو کمیسیون اجتماعی گفت: متأسفانه در این روزها شاهد ناهنجاری های بسیاری از جمله گسترش خودکشی هستیم و در ایلام ۱۱ مورد خودکشی به دلیل بیکاری صورت گرفته است و این در حالی است که ما شرعاً و قانوناً موظفیم نسبت به این موضوع چاره اندیشی کنیم.

## موکل من بی گناه اعدام شده است.

### آقای بهرامیان

هانا: جعفری دولت آبادی پس از آنکه جانشین سعید مرتضوی، خبرساز ترین مقام قضایی ایران شد و بر کرسی دادستانی تهر ان نشست، شاید کسی گمان نمی کرد تنها پس از گذشت چندماه، او خود خبرساز تر از سعید مرتضوی در عرصه های سیاسی و خبری ظهور کند. پس از خبر اجرای حکم اعدام برای دو زندانی سیاسی در آستانه بیست و دوم بهمن ماه سال گذشته و سپس پنج زندانی دیگر در آستانه سالگرد انتخابات ۲۲ خرداد، اینک جرم خواندن بیانیه ها و اظهارات رهبران جنبش سبز در محکومیت اعدام ها و همچنین خبر قطعی شدن بیست حکم اعدام دیگر، بار دیگر جعفری دولت آبادی را صدر نشین خبرها کرده است.

سخنان دادستانی تهران در مورد پرونده اعدام زندانی و همچنین ارزیابی حقوقی سخنان جعفری دولت آبادی در مورد مصاحبه خانواده ها و وکلا با رسانه های خارجی و جرم خواندن بیانیه ها و اظهار نظرهای موسوی و کروبی در مورد اعدام ها، موضوع گفتگوی جرس با خلیل بهرامیان وکیل پرونده اعدام شدگان است. آقای بهرامیان! دادستان به تازگی با بیان اینکه فراین رسیدگی به اتهامات موکلان شما، فرزند کمانگر، شیرین علم هولی و مهدی اسلامیان، چهار سال طول کشیده است، در مصاحبه ای با رسانه های داخل ایران می گوید؛ کسانی که ادعا می کنند دستگاه قضایی طرف چند دقیقه حکم اعدام صادر کرد، بهتر است چشمان خود را باز کنند. مشخص است که منظور آقای دادستان می تواند وکیل این پرونده باشد، پاسخ شما به عنوان وکیل اعدام شدگان به این ادعا چیست؟

ابتدا باید بگویم که صورت جلسات این پرونده ها موجود است و مشخص است که چه میزان برای بررسی این پرونده ها در دادگاه وقت گذاشته شده، من در مقام محاکم می ایشان نیستم اما به عنوان وکیل یک پرونده می گویم که آقای دادستان به دلیل جایگاه و امکاناتی که در اختیار دارند می توانند هر حرفی را در رسانه ها مطرح کنند. در حالی که واقعیت غیر از این است و ظاهراً آقای دولت آبادی به دلیل مشغله های زیادی که این روزها دارند، فرصت مطالعه پرونده را پیدا نکردند.

### واقعیت چیست؟

به عنوان مثال اگر آقای دولت آبادی کم لطفی نکنند، حداقل باید بگویند که پرونده موکلان من قبل از عید در اتاق دادستان تهران بود. در حالی که می باید خیلی پیشتر از این ها برای رسیدگی در مراجع رسمی اقدام می شد.

ولی دادستان تهران اظهارات شما مبنی بر درخواست ماده ۱۸ رسیدگی را رد کرده و گفته است اگر وکیل آنها درخواست ماده ۱۸ کرده بود، باید موضوع را در مراجع رسمی پیگیری می کرد.

من در سال ۱۳۸۷ این درخواست را مطرح کردم و آن زمان اصلاً ایشان نبودند و دادستان وقت هم آقای مرتضوی بود. برای همین می گویم اگر ایشان کم لطفی نکنند باید بگویند که تازه قبل از عید متوجه شدند که پرونده در اتاق دادستانی بوده است و از همه مهمتر حداقل به این پرسش باید پاسخ می دادند که اگر بنا بر اجرای حکم بود نه رسیدگی به درخواست ماده ۱۸، پس چرا مراتب اجرای حکم را بر اساس قوانین حقوقی و شرعی به وکیل پرونده اطلاع ندادند، من به عنوان وکیل و در مقام دفاع عرض می کنم چرا وقتی دادستان دستور اجرای حکم اعدام را صادر کرد بر اساس همان قوانین اسلامی، برای آخرین وداع موکلان من و خانواده هایشان، وکیل را در جریان حکمی که صادر کرده بودند قرار ندادند، اگر به همین یک پرسش جواب دهند همه ملت را از شیشه های وجود آمده نجات خواهد داد.

آقای بهرامیان، دادستان تهران در مصاحبه اخیر خود تاکید می کند که اقدامات متهمان شما از جمله فرزند کمانگر شامل تهیه خانه تیمی در تهران به منظور انجام عملیات انفجاری و تروریستی بوده و پلیس به یک دستگاه خودرو مشکوک شد و در بازرسی از آن پنج کیلوگرم مواد منفجره کشف کرد و یا اتهام مهدی اسلامیان موکل دیگر شما را اطلاع داشتن از انفجار حسینی ره پویان وصال شیراز اعلام کرده است. پاسخ شما به این موارد چیست؟

بنده به عنوان وکیل پرونده و آقای دولت آبادی به عنوان دادستان مجاز نیستم مطالبی را بیان کنیم که فاقد دلیل باشد، همین جا اعلام می کنم در صورتی که در یک بررسی کارشناسانه و عادلانه به این پرونده ها نگاه شود، اگر سر سوزنی دلیل پیدا شود که این اتهامات درست بوده است، من حاضریم هر گونه مجازاتی که دستگاه قضایی برایم در نظر بگیرد را بپذیرم.

یعنی شما ادعای وجود دار دادستان تهران در مورد مشارکت فرزند کمانگر در گروه تروریستی را رد می کنید و حاضرید برای اثبات این دفاعیه، خودتان هم مجازات شوید؟

من صادقانه اسبقاً دارم از آقای دادستان که دقت کنند بنده به عنوان وکیل، همه این مواردی که مطرح می کنم دارای دلایل و مستندات کافی است. در کیفرخواست فرزند کمانگر فقط مسأله عضویت در یژاک عنوان شده و هیچ دلیلی هم ارائه نشده است. موکل من بی گناه اعدام شده است. در مورد مهدی اسلامیان چه؟ دادستان می گوید ایشان نه تنها از بمب گذاری در شیراز اطلاع داشت بلکه نقش مهمی در کمک مالی به برادر خود ایفا کرده است. مهدی اسلامیان هیچ نقشی در بمب گذاری نداشت و این در پرونده کاملاً مشخص است. در مورد نقش مهم مالی که آقای دولت آبادی می گویند، ای شان فقط مبلغ ۲۲۰ هزار تومان به برادر خودش کمک کرده است که شما از هر وکیل و کارشناسی بپرسید، خواهند گفت که مجازات در نظر گرفته شده با توجه به میزان مبلغ به هیچ وجه سازگاری ندارد، درخواستم این است که همه این موارد را در یک روند آرام و شفاف یک بار دیگر مورد مطالعه قرار دهند تا ببینند تمامی مواردی که مطرح می کنم به عنوان دم خروس در پرونده موکلان وجود دارد و نمی شود قسم بیپرده خورد.

دادستان تهران هم چنین مصاحبه های خانواده های اعدام شدگان و انتشار اخبار مربوط به اعدام در رسانه های خارجی را دشمنی رسانه های استکلواری با جمهوری اسلامی عنوان کرده است. سوال من از شما این است که علی رغم پوشش خبری این اعدام در صدا و سیما جمهوری اسلامی و رسانه های هوادار دولت، آیا تا کنون از شما به عنوان وکیل در مورد جزئیات پرونده دعوت به مصاحبه کرده اند و آیا اساساً زمینه بیان حرف های خ انواده های ایرانی این اعدام شدگان در داخل خود ایران وجود دارد؟

در پاسخ به این پرسش شما، همینجا و با حسن نیت تمام اعلام می کنم اگر تلویزیون رسمی کشور برنامه ای با حضور خود آقای دادستان، چند تن از قضات قدیمی و وکیل پرونده، ترتیب دهند، مردم از این همه شیشه ه ای ایجاد شده در مورد اعدام ها نجات پیدا می کنند. همه مشکل از همینجاست که ما خبرهای مربوط به اعدام را از تلویزیون و رسانه های خودمان می شنویم اما هیچ فرصتی برای بررسی کارشناسی این پرونده در رسانه های داخلی وجود ندارد. ما هم ایستاده هستیم، وکیل این کشور هستیم، اگر نگران فضا سازی های رسانه ای غربی هستند، بهترین کار این است که فرصتی را در صدا و سیما جمهوری اسلامی با حضور خود آقای دادستان در اختیار قرار دهند تا فارغ از شعارهای سیاسی، یک میزگرد یا مناظره ای برگزار شود و به صورت حقوقی و کارشناسی همین پرونده های اعدام های اخیر را بررسی کنیم تا واقعیت ها روشن شود و نیت ما هم خیر است و می خواهیم مشکل مردم حل شود.

دادستان تهران بیانیه و اظهارات سران جنبش سبز در اعتراض به اعدام ۵ زندانی در ایران را نشر اکاذیب خواند و گفت این اظهار نظرها جرم است. به عنوان یک وکیل از شما سوال می کنم آیا صدور بیانیه می تواند از مصادیق جرم محسوب شود؟ آقای دولت آبادی چون از جایگاه بسیار مهمی در دستگاه قضایی کشور برخوردار است باید مبانی حقوقی حرف هایی که می زند را در نظر بگیرند. ببینید من نه طرفدار موسوی و کروبی هستم و نه با آقای دادستان مش کل سیاسی دارم. اما باید بگویم، ایشان نباید این مقوله را به صورت جرم مطرح کند. قضایی در مقام قضات هرگز قبل از تشکیل پرونده و صدور حکم نمی تواند بحث جرم بودن را مطرح کند، من کاری به تبلیغات سیاسی ندارم اما دادستان باید آنقدر زیبا و حقوقی حرف بزند که شائبه هر گونه سیاسی کاری را رفع کند. آقای دولت آبادی هم که دست شان باز است و از اختیار لازم برخوردار هستند و لذا اگر فکر می کنند، جرمی صورت گرفته می تواند دستور تعقیب صادر کنند و مراجع قضایی هم پیگیری کنند در غیر اینصورت طرح چنین مسائلی در حوزه رسانه ای استقلال قی ضایی دادستانی را سوال برانگیز می کند.

دادستان تهران اعلام کرده است پرونده های اعدام دیگری نیز قطعی شده است. آیا شما وکالت هیچ یک از متهمان محکوم شده به اعدام را عهده دار شده اید؟

بله من وکالت شیرکوه عارفی را بپذیرفته ام که در زندان سقز محکوم به اعدام شده است و همچنین وکالت حبیب الله گل پری پور که در زندان مهاباد برایش حکم اعدام صادر شده است که اتهام هر دو این دو زندانی کرد، اقدام علیه امنیت ملی عنوان شده و برایشان حکم محاربه صادر کرده اند. آیا اجرای این حکم قطعی شده است و به شما در مورد زمان اجرای این احکام هم خبری داده اند؟ نه هنوز نمی دانم، مثل همان موارد قبلی که هیچ پاسخی ندادند و بی خبر اعدام شدند، نگران هستم که باز این مسأله تکرار شود.

برای عدم تکرار این اعدام های ناگهانی آیا هیچ تدبیری می شود اندیشید؟

نمی دانم چه بگویم. امیدوارم رهبری جمهوری اسلامی خوششان کاری بکنند که جلوی این تدریوی ها گرفته شود و دستگاه قضایی کشور قائلنند شود تا همه ما راحت شویم، مردم راحت شوند و بحران بیش از این کشور را نسوزاند. مصاحبه از مسیح علی نژاد 29 اردیبهشت 1389

## بازداشت شش روزنامه نگار و فعال فرهنگی آذربایجانی در گرمی و پارس (آبادمغان)

مهندس مصطفی جمشیدی و رامین جبباری روزنامه نگاران آذربایجانی و مهندس حافظ سردارپور، مهناز کریمی، نادر عزیزی و مهدی زینالی از فعالان فرهنگی آذربایجانی بازداشت شدند.

## شش پرسش در پاره جنبش اعتراضی! پرسش ها از نشریه آرش

سایت خبری راه کارگر: **مجله وزین آرش** به مدیریت پرویز قلیچ خانی و سردبیری نجمه موسوی دربار همچون گذشته به سراغ مهمترین مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری رفته است. پربارتر اما ویژه نامه این شماره است یا شش پرسش اساسی در باره ی جنبش اعتراضی که با زنده یاد بدالله خسرو و محسن حکیمی، رضا رخشان، علی اکبر پیرهادی، فایق کیخسروی، ناصر زرافشان، ف. ر. کاظم کردوانی، بهروز خباز، باقر مومنی، رضا عسگری، حبیب رضا پور، ن. بهروز اصفهان، ف. تابان، محمد قرآگزلو، ابراهیم عزیزاده، ناصر رحیم خانی، مهرداد باباعلی، و امیر مومینی در میان نهاده شده است. پرسشها عبارتند از:

- ۱- دلایل و خصلت اصلی این جنبش و شکل گیری و دوام آن را چگونه می توان توضیح داد؟
- ۲- ترکیب طبقاتی جنبش کنونی را چگونه ارزیابی می کنید؟
- ۳- آیا شکل گیری یک جنبش ضد دیکتاتوری به نفع کارگران و زحمتکشان است یا فقط در صورتی به نفع آنهاست که با خواست ها و رهبری آنها شروع شود؟
- ۴- چه نیروهایی کارگر هستند؟ و آیا می توان وزن طبقاتی کارگران و زحمتکشان را در متن همین جنبش تقویت کرد؟ آری یا نه؟ چرا، چگونه و با چه شرایطی؟
- ۵- چرا نقش چپ در جنبش کنونی (دست کم تاکنون) حاشیه ای بوده است؟ چگونه می توان وزن و نقش چپ را در این جنبش تقویت کرد؟
- ۶- با تجربه ای که از انقلاب بهمن داریم و درس هایی که از شکست آن گرفته ایم، برای آن که جنبش کنونی مردم به شکست نینجامد چه می توان کرد؟

## مادر بهکیش : هر چه بکشند، بر عزمشان می افزایند

## اجماع بین المللی علیه ایران؟

نوشته آلن گرش - ترجمه بهروز عارفی

از چند ماه پیش، ایالات متحده و فرانسه به خود می بالند که با اجماع بین المللی توفیق خواندنیافت که در شورای امنیت سازمان ملل متحد مجازات هائی علیه ایران به تصویب برسانند. با وجود این، به رغم همه تلاش ها، تاریخ تصویب این قطع نامه مرتباً به تعویق می افتد. اکنون صحبت از ژوئن ۲۰۱۰ است. اما، شاید این تعویق بی در پی بازتاب نبود اجماع بین المللی باشد، گر چه روسیه به مواضع غرب پیوسته است؟

پرزیدنت لونیژ ایناسیو «لولا» داسیلوا، رئیس جمهوری برزیل، عضو غیر دائمی شورای امنیت، قرار است در روزهای ۱۵ و ۱۶ مه از تهران دیدار کند. (۱) روز پنجشنبه ۶ مه، لولا پس از ملاقاتی با همتای لبنانی اش میشل سیمون در برازیلیا اظهار داشت: «من سلسو آموریم را به تهران می فرستم. او در استانبول و مسکو توقف خواهد کرد زیرا ما می خواهیم سفرمان را خوب تدارک ببینیم و احتمال رسیدن به توافق میان اژانس بین المللی انرژی اتمی و ایران را ارزیابی کنیم». رئیس جمهوری برزیل بارها با تصویب مجازات ها مخالفت کرده است. بنا بر گزارش سایت تلویزیون «فرانس ۲۴» (۲۴ فوریه) «پرزیدنت لولا خواستار عدم «انزوای» ایران است. (۲)

لولا که به سخنان برنار کوشنر، پاسخ میداد گفت: هیچ کس نمی تواند در مورد سلاح های هسته ای به من درس بدهد (...). هر کشوری سیاست خارجی خودش را تدوین می کند و برزیل به بلوغ خود اعتقاد دارد». پیش تر، کوشنر وزیر خارجه فرانسه گفته بود که ایران برزیل را گول زده است. (۳)

بموازات آن، ترکیه، دیگر عضو غیردائم شورای امنیت برای یافتن زمینه مذاکره میان ایران و اژانس انرژی اتمی تلاش می کند. در نشست سران سوریه، قطر و ترکیه که روز ۹ مه ۲۰۱۰ در دوحه برگزار شد، از تلاش های دولت آنکارا حمایت شد.

روز سه شنبه ۴ مه، خبرگزاری فرانسه از دوحه گزارش داد که بنا بر نوشته یک روزنامه عربی در همان روز، وزیر امور خارجه ترکیه \* گفته است «ترکیه همه توانش را بکار خواهد بست تا از درگیری نظامی میان غرب و ایران جلوگیری کند، اما تهران باید در مورد برنامه هسته ای اش شفافیت نشان دهد».

احمد داوداوغلو در مصاحبه ای که روز سه شنبه در روزنامه الحیات منتشر شد اظهار داشته بود: «ما تا جایی که امکان دارد، هر تلاشی می کنیم تا اعتماد میان ایران و ایالات متحده و ایران و غرب برقرار شود تا از درگیری نظامی و مجازات های احتمالی جلوگیری شود». او اضافه کرده بود که ایران نیز بنوبه خود باید «تضمین های لازم» در مورد صلح آمیز بودن برنامه هسته ای اش ارائه دهد و «با اژانس بین المللی انرژی اتمی با شفافیت برخورد کند».

آقای داوداوغلو نسبت به یافتن «راه حلی دیپلماتیک» اظهار خوش بینی کرده و خواست تا به تلاش ها در این راستا شتاب داده شود. او در جریان گفتگوهایش در ماه آوریل در تهران گفته بود که در مورد بحران هسته ای ایران، پیشرفت هائی حاصل شده است».

روز ۹ مه رادیو بین المللی فرانسه اعلام کرد که «ایران نسبت به میانجیگری ترکیه و برزیل نظر مساعد دارد». (۴) «رئیس دیپلماسی ایران ایده گفتگوهای جدید با کشورهای غربی در مورد برنامه هسته ای ایران را پذیرفته است. احتمال دارد این مذاکرات در ترکیه انجام شود. منوچهر متکی پس از ملاقاتی با همتای ترک خود احمد داوداوغلودر روز جمعه ۷ مه ۲۰۱۰ اظهار داشت «این نشست می تواند زود برگزار شود».

یکی از پیشنهادات، امکان مبادله سوخت هسته ای با غنای ضعیف با سوخت غنی شده ۲۰ درصد در ترکیه است و نه در ایران، آن طوری که ایران پافشاری می کرد. بدین ترتیب یکی از خواسته های ایران نیز عملی خواهد شد. این کشور مایل نبود سوخت ضعیف خود را به روسیه یا فرانسه ارسال و برای تحویل سوخت غنی شده چند ماه صبر کند.

چند عضو غیردائمی شورای امنیت ملاحظه کاری خود را نسبت به مجازات های احتمالی اعلام کرده یا برخواستن داری خود تاکید می کنند. قطعی است که لبنان بخاطر شکنندگی تعادل سیاسی اش رای به مجازات نخواهد داد. گابون، نیجر، یه، مکزیک جانب احتیاط را حفظ کرده اند. بویژه که این کشورها دارای روابط خوب با جمهوری اسلامی اند. (۵) دولت چین با وجود فشار های گوناگون، ظاهراً جانب خویشتن داری را رعایت می کند و در جستجوی کاهش دادن کارائی قطعنامه احتمالی سازمان ملل متحد است.

نامه ی تسلیمت مادر بهکیش (مادری که داغ پنج فرزند و داماد را کشیده است) و منصوره بهکیش به خانواده های پنج تن عدام شدگان هر چه بیشتر بکشند، ممکن است از تعداد معترضین بکاهد ولی بر عزمشان می افزاید!

یک شنبه ساعت پنج بعداز ظهر بود. از خواب بیدار شده بودم و دخترم منصوره بر ایام جای آماده کرده بود و می خواستیم دو تایی ساعتی با هم بنشینیم و گپ بزیم. تلویزیون راروشن کرد و یکی از کانال های خبری را گرفت. عکس پنج نفر از زندانیان سیاسی را نشان می دادند و پایین عکس ها نوشته هائی رد می شد. «شیرین علم هولی، فرزند کمانگر، مهدی اسلامیان، فرهاد وکیلی و علی حیدریان اعدام شدند». به همین سادگی! دخترم یک باره به جای خود میخکوب شد و دیگر به حرف های من توجهی نمی کرد. گفتم چه شده است؟ با حالتی آشفته گفت: مامان جان کمی صبر کنید ببینم جریان چیست. او که نوشته های زیر تصاویر را تعقیب می کرد، به کلمه آخر «اعدام شدند» که رسید به ناگاه از جایش بلند شد و دستهایش را بر چهره کشید و فریاد زد «ای داد اعدامشان کردند». وقتی جریان را بر ایام گفت، دو دستم را محکم به پایم کوبیدم و سرم را بالا گرفتم. دلم می خواست فریاد بزنم، فریادی آنقدر بلند که همه مردم دنیا بشنوند. خدایا تا به کی کشتار، تا به کی اعدام؟! و ...

یک دختر با چهار پسر، وای چه شباهتی. آنها مرا یاد دختر و چهار پسرم زهرا، محمود، محمدرضا، محسن و محمدعلی انداختند که در دهه ۶۰ کشته شده بودند. دخترم داستان فرزند را بر ایام گفت و برخی نامه هایش را بر ایام خواند. او معلم بود و قیافه معصومی داشت. او مرا به یاد پسرم محمود انداخت. همو که در روستاهای خراسان درس می داد. شیرین مرا به یاد دختر نازنین ام زهرا انداخت، همو که در جنوب شهر مشهد تدریس می کرد. من و دخترم منصوره هیچ کدام آنها را نمی شناختم ولی همه به نظرمان آشنا می آمدند. پرسیدم جرمشان چه بود، دخترم گفت: درست نمی دانم «می گویند برخی در عملیات بمب گذاری مشارکت داشته اند» یکی از آنها معلم بود و نامه های بسیار زیبایی از زندان می نوشت. دیگری دختر کردی است که ظاهراً برای فرار از ازدواج ناخواسته به کردستان عراق فرار کرده و ... دیگری به خاطر کمک مالی دو بیست هزار تومانی به برادرش که همین اواخر اعدام شده به مرگ محکوم شده است و دیگران به جرم هابی مشابه. دانشم دیوانه می شدم، هر چند خوب می دانستم که جرم تراشیدن و به ناحق کشتن انسان ها در این کشور بلازده چیزی معمول است، مگر فرزندان ما را به چه جرمی کشتند، چند نفرشان آدم گشته بودند؟ چند نفرشان در عملیات تروریستی شرکت کرده بودند؟ چند نفرشان در زندان مسلح شده بودند که حکم زندانی و یا آزادی آنها به اعدام تبدیل شد؟

مادران و خانواده های جان باختگان شیرین، فرزند، مهدی، فرهاد، علی و ...

ما درد شما و سایر مادران و خانواده هائی که در طی این سال ها عزیزانشان را از دست داده اند به خوبی حس می کنیم. ما را در غم خود شریک بدانید. اطمینان داشته باشید که با کشتن انسان ها، بخصوص انسان های در بند و بی دفاع، نمی تواند صدای مردم را خفه کنند و هر چه بیشتر بکشند مردم در راهشان مصمم تر می شوند، ممکن است تعدادشان کم شود ولی بر عزمشان افزوده می شود. مطمئن باشید که ماه پشت ابر پنهان نمی ماند و بایستی روزی پاسخ گو باشند و آن روز دور نیست.

«به امید روزی که انسان ها برای بیان عقاید خود به بند کشیده نشوند و مجازات اعدام از صحنه روزگار حذف گردد».

مادر بهکیش (مادری که داغ پنج فرزند و داماد را کشیده است) -

منصوره بهکیش  
۲۴ اردیبهشت

## خبری از آخرین وضعیت جسمی محمود صالحی

بر اساس آخرین اخباری که به دست ما رسیده است محمود صالحی کماکان در بیمارستانی در تهران بستری است. اوضاع عمومی حال وی رو به بهبودی است اما پزشکان در مورد وضعیت کلیه های وی هشدار داده اند. به خصوص کلیه چپ وی چند برابر از ح طبیعی بزرگ شده و مملو از کیست های عفونی و خونی است که تعدادی از این کیست ها پاره شده و خون و عفونت به دستگاه ادراری وی وارد میکنند. همچنین بزرگی کلیه ها باعث فشار آوردن به کبد وی شده و کبد از محل خود جابجا شده است. بدین ترتیب در اولین فرصتی که تب و لرز و خونریزی و عفونت وی بهبود یابد، لازم است کلیه چپ وی کلا خارج شده و کلیه ی جدیدی در بدن محمود صالحی پیوند شود. از آنجا که گروه خونی وی O منفی ( گروه خونی که تنها از همین گروه خونی امکان دریافت خون و اعضا دارد ) میباشد و نیز نظر به سختی شرایط پیوند کلیه برای دریافت کننده و سلامت کامل اهدا کننده، نگرانی ها در مورد آینده ی درمانی وی حتا در صورت یافته شدن فردی داوطلب برای اهدای کلیه افزایش یافته است. 29 اردیبهشت 89

[www.khamahangi.com](http://www.khamahangi.com)  
[komite.hamahangi@gmail.com](mailto:komite.hamahangi@gmail.com) [www.komitevehamahangi.blogfa.com](http://www.komitevehamahangi.blogfa.com)

## پیشنویس چهارمین قطعنامه علیه ایران به شورای امنیت ارائه شد

به گزارش ایپنا، «سوزان رایس»، سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد سه‌شنبه این پیش نویس را در مقر اصلی این نهاد در نیویورک، بین نمایندگان 10 کشور عضو غیردائم شورا توزیع کرد. آمریکا در حالی این پیش‌نویس را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه داد که روز دوشنبه در نشست سه جانبه ای که در تهران با حضور سران برزیل، ترکیه و ایران برگزار شد، بیانیه مشترکی به امضا درآمد که به موجب آن، ایران پذیرفت یک هزار و 200 کیلوگرم از اورانیوم با درصد غنای پایین خود را در قبال دریافت سوخت مورد نیاز برای راکتور تحقیقاتی تهران، در خاک ترکیه به امانت گذارد.

طبق این گزارش، رایس با تکرار برخی ادعاها در باره مواضع هسته‌ای مقام‌های تهران، در جمع خبرنگاران هدف این قطعنامه را «افزایش هزینه‌ای که مقام‌های ارشد ایران به دلیل ادامه سرپیچی از جامعه بین‌المللی می‌پردازند» و «تشویق ایران به حل و فصل صلح آمیز نگرانی‌ها درباره برنامه هسته‌ای این کشور» اعلام کرد.

رایس همچنین گفت که قطعنامه جدید با توافق نامه اخیر تبادل سوخت هسته‌ای ارتباطی ندارد بلکه به ادعای وی، به دلیل ادامه غنی سازی اورانیوم توسط ایران تدوین شده است. این مقام آمریکایی در عین حال تاکید کرد که راه مذاکره هنوز به روی ایران باز است.

«ماريو لونیزا ریبر یو»، سفیر برزیل در سازمان ملل متحد اعلام کرده است که برزیل به‌عنوان عضو غیردائم شورای امنیت در مذاکرات بررسی این قطعنامه شرکت نخواهد کرد.

برزیل، ترکیه و لبنان در حال حاضر سه عضو غیردائم شورای امنیت هستند که با تحریم ایران مخالفند.

«لی بانودانگ»، سفیر چین در سازمان ملل متحد تحریم ایران را بخشی از روند دیپلماسی در برابر این کشور دانست. وی گفت: «هدف تحریم این است که طرف ایرانی به میز مذاکره برگردد. هدف این تحریم ها مجازات مردم بی گناه نیست و نباید به روابط تجاری عادی لطمه بزند.»

بر اساس گزارش‌ها، پیش‌نویس قطعنامه بدون توجه به نتیجه راستی آزمایی نهادهای رسمی بین المللی از فعالیت های هسته ای ایران، درباره ادامه غنی‌سازی اورانیوم در این کشور ابراز «نگرانی جدی» می‌کند.

این پیش‌نویس ممنوعیت فعالیت های هسته‌ای حساس ایران در خارج از کشور را پیشنهاد کرد است ولی گفته می‌شود که تحریم صنایع نفت و گاز ایران و نیز تحریم مستقیم بانک مرکزی ایران که مورد نظر آمریکا بود در آن گنجانده نشده است.

بر اساس مفاد مطرح شده در این پیش نویس کشورها باید «مراقب» مبادلات مالی بانک‌های ایرانی از جمله بانک مرکزی این کشور باشند و با اتخاذ تدابیر لازم از افتتاح شعبه ها و نمایندگی های بانک های ایران در کشور خود در صورتی که معتقدند چنین شعبی با فعالیت های هسته‌ای ایران ارتباط دارند، جلوگیری کنند.

در چنین موقعیتی، بنظر می رسد که اتحادیه اروپا و ایالات متحده آماده تصویب مجازات های یک جانبه هستند و شاید بتوان گفت که فرانسه در این مورد نقش پیش‌نوا را بازی می کند. (۶)

با وجود این، کنگره آمریکا از فعال مایشانی سارکوزی (رئیس جمهوری فرانسه) پیشی گرفته است. در این باره به مقاله رابرت دریفوس در «نیشن»، ۲۸ آوریل ۲۰۱۰ مراجعه کنید (۷). دریفوس که گزارشی در مورد نشست نمایندگان کنگره ارائه می دهد، به از حدگشتن پیشنهادات اشاره دارد.

ایله انا راس لهیتینن نماینده فلوریدا آتشباری را آغاز و درخواست مجازات هائی را کرده است که «اجباری بوده و ایران را فلج کند». صحبت های او موجب شد که سخنرانان بعدی در زیاده روی از او سبقت بگیرند.

سناتور جو لیبرمن اظهار کرد که «ایالات متحده نمی تواند به «نیچه مجازات ها» رضایت دهد و می بایست «ظرفیت سیاسی و اقتصادی و در صورت لزوم نظامی اش» را ضد «رژیم متعصب» بسپار کند. گاری اکرمن اظهار داشت که مجازات های فلج کننده کافی نبوده و تاکید کرد که جهان باید مجازات های «حقیقان اور» علیه ایران تحمیل کند و حتی اضافه کرد که «موفقیت چنین تلاشی کمتر محتمل است» و بدون تردید، ایران «در کمتر از دو سال دیگر، صاحب سلاح اتمی» خواهد شد. دان برتوف نماینده ایندیانا اش را داغ تر کرد و در حالی که دهنش کف کرده بود گفت نظامیان به او گفته اند که ایران در کمتر از یک سال دارای بمب اتمی خواهد شد. اضافه کرد «ما باید هر چه ضروری است انجام دهیم تا مانع از دست یافتن ایران به سلاح هسته ای شویم. برد شرم، نماینده کالیفرنیا با نکوهش از کسانی که فقط مجازات های هفدمدن پیشنهاد می کنند گفت: «مجازات های دارای هدف مشخص موثر نیستند» ما به «مجازات های فلج کننده» نیاز مبرم داریم. و ادرویس نماینده کنگره فریادبر آورد که ایالات متحده و متحدانش باید «مجازات های کمر شکن» تحمیل کنند و سپس اضافه کرد «حتی ممکن است که چنین مجازات هائی کافی نباشند.» در خاتمه مقاله دریفوس نتیجه می گیرد که «چون مجازات ها تغییر موضعی در ایران بار نخواهند آورد، با مخاطره بزرگی روبرویم.» در آن صورت، آیا تا یک مداخله نظامی پیش خواهند رفت؟

عنوان اصلی مقاله:

Consensus international contre l'Iran ? Alain GRESH  
<http://blog.mondediplo.net/2010-05-10-Consensus-international-contre-l-Iran>

وبلاگ لوموند دیپلماتیک،

### \* پیوندها \*

سرمدبیر نشریه : منصور نجفی

[mansour.nadjifi@telia.com](mailto:mansour.nadjifi@telia.com)

تلفن، فاکس ایمیل و روابط عمومی سازمان

تلفن 0049 - 69 - 50699530

فاکس 0049 - 69 - 95219010

[public@rahekargar.net](http://public@rahekargar.net)

سایت راه کارگر

[www.rahekargar.net](http://www.rahekargar.net)

[orwi-info@rahekargar.net](mailto:orwi-info@rahekargar.net)

سایت خبری راه کارگر

<http://rahekargar.wordpress.com>

سایت اتحاد چپ کارگری

[www.etehadchap.org](http://www.etehadchap.org)

سایت رادیو صدای کارگران ایران

[www.sedayekargaran.com](http://www.sedayekargaran.com)

نشر بیدار

[www.nashrebidar.com](http://www.nashrebidar.com)

نشریه انگلیسی ایران بولتن

[www.iran-bulletin.org](http://www.iran-bulletin.org)

توجه : مقالاتی که با کد " دیدگاه " مشخص

میشوند، الزاما بیانگر مواضع سازمان نیستند .